

آزادی زندانیان سیاسی را به شعار هر تجمع و اعتراضی تبدیل کنیم!

”قوانین
دست و پا گیر“

اسید پاش
غایب

محمد رضا پویا

صفحه ۷

تشکل، اساس هویت طبقاتی کارگران

حمید تقوائی

صفحه ۳

”کارگران در ایران تشکل گریزند!“
یک ادعای غیرواقعی

ناصر اصغری

صفحه ۸

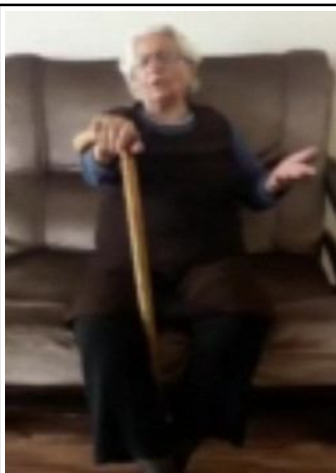
همراه مادران، برای آزادی
کارگران زندانی و زندانیان سیاسی!

صفحه ۵

نسان نودینیان

اطلاعیه حزب درباره
بالا گرفتن گفتمان و تش
جنگی میان دولت آمریکا
و جمهوری اسلامی

صفحه ۱۱



مادر ناهید خداجو

”...روز ۱۱ اردیبهشت رفته دم مجلس
مثل همه مردم، چون خودش کارگره، از
حق کارگر و از حق خودش دفاع کرده..
من از مردم تقاضا دارم بیایند از این بچه
هایی که دستگیر شدند حمایت کنند تا
بچه های ما که هیچ خلافی نکرده اند
آزاد شوند“

صفحه ۲

آزاد شوند



مادر ناهید شقاقی

”سه روز است دخترم را برده اند و خبری
از او ندارم. من نگران دخترم هستم.
کجای دنیا دفاع از حقوق زنان،
سوادآموزی و کمک به زلزله زده و سیل
زده جرم است.“

صفحه ۲

بیانیه فعالین کارگری و زنان
در محکومیت قتل‌های ناموسی

صفحه ۹

بیانیه‌ی کانون نویسندگان
علیه حکم هجده سال زندان
برای سه نویسنده

صفحه ۹

بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران

درباره وضعیت
کارگران هفت تپه

صفحه ۱۰

اطلاعیه ها

صفحات ۱۱ تا ۱۴

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

fateh.bahrami@gmail.com

۵۷۳

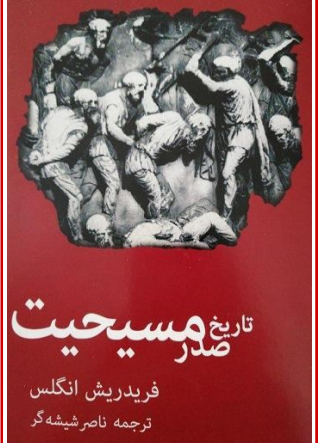
۱ خرداد ۱۳۹۸

۲۲ مه ۲۰۱۹



چهارشنبه ها منتشر میشود

معرفی کتاب



صفحه ۶



MAHMO

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

کارگر کمونیست

هیئت تحریریه :

ناصر اصغری

nasser_asgary@yahoo.com

محمد رضا پویا

Mohammadreza.pooya@gmail.com

شهرلا دانشفر

shahla_daneshfar@yahoo.com

بهمن ذاکر نژاد

bahmanzaker@gmail.com

داوود رفاهی

dawood.refaahi@gmail.com

یاشار سهندی

y_sahandi@yahoo.com

محمد شکوهی

mshokohi@yahoo.de

حسن صالحی

hasan.salehi2000@gmail.com

نسان نودینیان

nandiniannasroola@yahoo.de

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست.

درج مقالات در کارگر کمونیست

لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها

از جانب نشریه نیست.



فرکانس تلویزیون کانال جدید
ماهواره یاه ست
فرکانس : 11766
پولاریزاسیون : عمودی
سیمبل ریت : 27500
اف ای سی : 5/6

**به حزب
 کمونیست
 کارگری
 پیوندید!**

آزادی زندانیان سیاسی

را به شعار هر تجمع و اعتراضی تبدیل کنیم!

رایگانند، علیه فساد و اختلاس و مفتخوری ها هستند، علیه سیستم ظالمانه قضایی و شکنجه و زندانی کردن فعالین اند، علیه قوانین ضد کارگرنند، علیه حقوق های نجومی و فلاکت عمومی اند، علیه لاقیدی به زندگی سیل زدگان و زلزله زدگانند، علیه بی حقوقی مردم و خواهان اداره شورایی جامعه اند. اینها در یک کلام مخالف جهنم موجود و فعال و مدافع یک جامعه انسانی و یک زندگی خلاق و شاد و انسانی برای همگان هستند. خواست های اساسی دهها میلیون مردم معترض را نمایندگی میکنند و جرم همه آنها یکسان است.

مشکل جمهوری اسلامی اما این است که امروز میلیون ها نفر مثل اینها فکر میکنند، هر فعالی را میگیرند فعالین بیشتری قد علم میکنند و به جلو صحنه میایند. امروز حکومت در مقابل مردم از همیشه ناتوان تر است و میتواند و باید به تمام ارکانش هجوم برد و بعنوان اولین اقدام زندانیان را از زندانها بیرون آورد.

جامعه باید با تمام قوا برای آزادی کلیه دستگیر شدگان و زندانیان سیاسی تلاش کند. آزادی بی قید و شرط و فوری کلیه زندانیان سیاسی و فعالین جنبش های حق طلبانه باید در صدر همه خواست ها قرار گیرد. در هر تجمعی که به هر مناسبتی برگزار میشود باید "شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، "کارگر زندانی، معلم زندانی، دانشجوی زندانی آزاد باید گردد" در کنار شعار مرگ بر دیکتاتور توسط مردم فریاد زده شود. کارزار موثری توسط بستگان و عزیزان فعالین در بند به راه افتاده است و در قطعنامه ها و تجمعات اعتراضی و برخی اعتصابات خواست آزادی فوری و بی قید و شرط کارگران زندانی و زندانیان سیاسی به صدر خواست ها رانده شده است. باید این حرکت ها را هرچه بیشتر تقویت کنیم. به هر درجه بتوانیم جلو دستگیری فعالین را بگیریم و یا مانع نگهداشتن آنها در زندان شویم، به هر درجه بتوانیم فعالین را بدون قید و شرط و وثیقه و کفالتی آزاد کنیم و به هر درجه بتوانیم با تجمعات خود در مقابل زندانها و مراکز دولتی فشار برای آزادی آنها را بیشتر کنیم، راه مبارزه و اعتصاب و اعتراض و راه متشکل شدن را هموارتر کرده ایم.

حزب کمونیست کارگری کلیه مردم معترض را، کارگران و معلمان و بازنشستگان و دانشجویان و زنان و کلیه تشکل های آزادیخواه و کلیه فعالین جنبش های مردمی را فرامیخواند که برای عمومی تر کردن هرچه بیشتر خواست آزادی فعالین و زندانیان سیاسی تلاش مستمیری را در دستور بگذارند. باید حربه زندان را هر روز بیشتر و بیشتر از دست حکومت بگیریم و با آزادی عمل بیشتری دست به کار متشکل کردن توده های وسیع مردم و اعتصابات و تجمعات سراسری شویم.

زندانی سیاسی آزاد باید گردد

کارگر زندانی، معلم زندانی، دانشجوی زندانی آزاد باید گردد

حزب کمونیست کارگری ایران

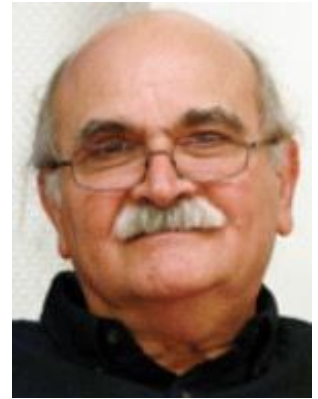
۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۸، ۱۹ مه ۲۰۱۹

جمهوری اسلامی برای مقابله با اعتراضات رو به گسترش اجتماعی، دستگیری ها را شدت داده است. شماری از فعالین کارگری، معلمان و زنان و دانشجویان هم اکنون در پشت میله های زندان قرار دارند. باید شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد را به یکی از محورهای همه اعتراضات تبدیل نماییم. کارزارهای قدرتمندی برای آزادی دستگیر شدگان و همه عزیزان در بند به جریان اندازیم و سرکوبگران حاکم را زیر فشار جدی قرار دهیم. کاری کنیم که حکومت به چشم خویش ببیند که دستگیری و زندان برایش هزینه سنگینی دارد. در توازن قوای موجود اجتماعی در ایران و در وضعیتی که حکومت دارد، این کاملاً عملی و ممکن است.

حکومت اسلامی کسانی را دستگیر کرده است که گناهایشان اینست که برای عدالت و آزادی و رفاه مردم مبارزه کرده اند. در روزهای قبل از اول مه و در تجمع اول مه در تهران حدود ۵۰ نفر دستگیر شدند که ۸ نفر از آنان، ناهید خداجو، نسرين جوادی، فرهاد شیخی، حسن سعیدی، کیوان صمیمی، مرضیه امیری، عاطفه رنگریز و ندا ناجی همچنان در بازداشت به سر میبرند. در تجمع معلمان در روز ۱۲ اردیبهشت ۸ نفر دستگیر شدند. روز ۲۵ اردیبهشت سه نفر از اعضای کانون نویسندگان، رضا خندان مهابادی، بکتاش آبتین و کیوان بازن هرکدام به شش سال زندان محکوم شدند. اکرم نصیریان و ناهید شقاقی از فعالین حقوق زن و حمایت از سیل زدگان دستگیر شده اند. روز ۲۶ اردیبهشت تعدادی از فعالین حقوق زن که در شهر مریوان علیه خشونت به زنان و قتل های ناموسی دست به تجمع زده بودند بازداشت شدند. در فاصله بین ۱۹ تا ۲۵ اردیبهشت نیز حدود ۱۵ نفر از کارگران نیشکر هفت تپه که یک کانون داغ مبارزه است بازداشت شده اند. علاوه بر اینها تعدادی از فعالین کارگری از جمله اسماعیل بخشی و جعفر عظیم زاده و سپیده قلیان و تعدادی از معلمان اسماعیل عبدی، محمد حبیبی، محمود بهشتی، عبدالرضا قنبری، روح الله مردانی، یاسر امینی آذر و محمدعلی زحمتکش، در زندان به سر میبرند و برخی از آنان به چندین سال زندان محکوم شده اند.

جمهوری اسلامی از نقش و تاثیر حضور و فعالیت این طیف از فعالین بخوبی آگاه است. میداند که فعالیت و صحبت های اینها آگاهی عمومی جامعه را بالا برده است و مردم را متحدتر و همبسته تر کرده است. به همین علت مدام علیه شان پرونده سازی میکند و آنها را دستگیر میکند تا اعتراضات مردم را عقب براند.

میداند که اینها فعالین حقوق کارگرنند، علیه فقر و تبعیض و هر نوع ظلم و نابرابری هستند، فعال حقوق زن هستند، علیه حجاب تحمیلی و سیستم آپارتاید جنسیتی و کل بی حقوقی های زن هستند، مدافعین آزادی بیان و عقیده اند، خواهان یک زندگی شاد و امن و انسانی برای کودکان هستند، خواهان رفاه و آزادی همه مردمند، خواهان تحصیل رایگان و درمان و بهداشت



تشکل، اساس هویت طبقاتی کارگران

حمید تقوائی

توضیح کارگر کمونیست:

مطلب زیر بخشی از نوشته "جایگاه تشکل و تشکیلاتی برای طبقه کارگر" از حمید تقوائی است که قبلا بطور کامل در کارگر کمونیست ضمیمه شماره ۴۵۶ در فوریه ۲۰۱۷ منتشر شده است. این بخش که در اینجا بازنشر میشود در واقع برخی نکات پایه ای درباره ویژگی تشکل برای طبقه کارگر و تفاوت آن با تشکلهای سایر اقشار جامعه را بر اساس جایگاه طبقاتی کارگران توضیح میدهد. بدلیل اینکه موقعیت طبقه کارگر و جنبش کارگری به یک فاکتور اساسی در اوضاع سیاسی ایران و تحولات پیش رو تبدیل شده است، مساله تشکل کارگری و برپائی این تشکلهای نیز بیش از قبل به مشغله کمونیستها و رهبران و فعالین کارگری بدل شده است. از اینرو نشریه کارگر کمونیست قصد دارد که مجددا این بحث را باز کند و از زوایای مختلف به آن بپردازد. بحث را از هفته آینده با گفتگویی با حمید تقوائی شروع خواهیم کرد و تلاش میکنیم امکان انعکاس نظرات و مباحث مختلف حول موضوع را فراهم کنیم. از خوانندگان و بویژه فعالین کارگری و علاقمندان به موضوع دعوت میکنیم که مطالب، نظرات و سوالات احتمالی خود را برای کارگر کمونیست ارسال کنند تا در نشریه منعکس شود.

بحث حاضر در مورد نقش و جایگاه ویژه تشکل برای طبقه کارگر است. تشکل برای کارگران و دیگر بخشهای مردم ظرف و ابزار مبارزه است اما برای طبقه کارگر نقش و جایگاه تشکل فراتر از ابزار مبارزاتی است. این ویژگی از موقعیت و خصلت طبقاتی کارگران و جنبش کارگری ناشی میشود. ابتدا سعی میکنم این نکته را توضیح بدهم.

خصلت جمعی مصرف نیروی کار و خصوصیت فردی مبادله نیروی کار

قبل از هر چیز لازمست مساله را در یک سطح پایه ای و در چارچوب اقتصاد سیاسی بررسی کنیم.

هم ضرورت و هم امکانپذیری تشکل برای طبقه کارگر از یک تناقض پایه ای در اقتصاد سرمایه داری نشات میگیرد: تناقض میان خصلت جمعی تولید و

(یا دستمزد) مثل هر کالای دیگری بر اساس عرضه و تقاضا تعیین میشود و مبادله نیروی کار بر مبنای رضایت فرد فروشنده و فرد خریدار صورت میگیرد. منطق بازار چنین حکم میکند که اگر تعداد کارگران بیکار و لذا عرضه زیاد باشد - در دوره های بحران سرمایه داری - قیمت نیروی کار کاهش پیدا کند و برعکس با بالا رفتن تقاضای کار - دوران رونق - ارزش نیروی کار افزایش یابد.

در بدو شکل گیری نظام سرمایه داری زمانی که دهقانان کنده شده از زمین در برابر صاحبان سرمایه قرار میگیرند مبادله نیروی کار تماما بر اساس این منطق و مکانیسم بازار انجام میشود. منفعت سرمایه دار تا همین امروز ایجاب میکند که این مبادله به همین شکل باقی بماند. چرا که مستقل از سطح عرضه و تقاضا و نوسانات ارزش نیروی کار، نفس خصلت فردی این مبادله به نفع خریدار (سرمایه دار) است.

این تناقض در یک سطح انتزاعی تر تناقضی است میان مصرف نیروی کار (روند تولید) و مبادله نیروی کار؛ تناقضی که نهایتا با نفی خصلت کالائی نیروی کار - یعنی لغو کار مزدی - حل خواهد شد. اما در چارچوب نظم سرمایه داری نیز این تناقض مبنای یک کشمکش بیوقفه بین طبقه کارگر و سرمایه دار است که در مبارزات هر روزه کارگران بر سر ارتقای شرایط فروش کار متجلی میشود.

سرمنا تشکل و تشکیلاتی کارگران

ما تا اینجا خصلت فردی مبادله نیروی کار را بعنوان یک امر مربوط به حیطه اقتصاد و منطق و مکانیسم بازار سرمایه داری بررسی کردیم اما واقعیت اینست که مساله در این سطح محدود نمی ماند. نیروی کار یک کالای بیجان نیست، فعالیت فیزیکی کارگر و بخش مهمی از زندگی اوست و معیشت و بقای کارگر و خانواده او تماما به شرایط فروش این "کالا" گره خورده است. به این دلیل مساله از اقتصاد فراتر میروند و به حیطه جامعه و سیاست و مبارزه طبقاتی کشیده میشود. تولید جمعی، یا تشکل کارگر در تولید، امریست صرفا در حیطه اقتصاد و ضروریات اقتصادی ولی تشکل

کارگر بعنوان فروشنده نیروی کار امریست تماما طبقاتی - اجتماعی و به این اعتبار کاملا سیاسی. تشکل کارگر در تولید خواه ناخواه به تشکل کارگر بعنوان فروشنده نیروی کار منجر میشود و کارگر را بعنوان یک طبقه اجتماعی که چیزی جز نیروی کار خود برای فروش ندارد متحد و متشکل میکند. ضرورت این تشکل طبقاتی دیگر نه از روند تولید کالائی، بلکه از ضرورت تامین معیشت و بقای طبقه تولید کننده نشات میگیرد.

برای شناخت دقیق تر روند تشکیلاتی کارگران باید بر پروسه تولید کمی بیشتر مکث کنیم. سرمایه دار بعد از خرید نیروی کار در بازار (استخدام کارگر) این نیروی کار را در کارخانه و در خط تولید بکار می اندازد. اینجا دیگر کارگر جزئی از جمع است. منافع سرمایه دار ایجاب میکند که کارگران در روند تولید جمعی و تیمی کار کنند هماهنگ و متحد باشند و نبضشان با هم بزند، روحیه جمعی و تیمی داشته باشند، فراموش نکنند که کار فردی آنها جزئی از یک فعالیت مشترک است و کالای تولید شده ثمره این فعالیت مشترک است. گردش سرمایه و روند عینی سودآوری و ارزش افزائی سرمایه ایجاب میکند که کارگر هویت جمعی داشته باشد و این ضرورت ناگزیر به کارگر هویتی طبقاتی می بخشد. در تولید جمعی است که تولید کننده یعنی کارگر به منافع طبقاتی اش پی میبرد، متحد میشود، تشریک مساعی میکند، و بطور عینی و در فعالیت روزانه اش به این واقعیت واقف میشود که همانطور که در تولید جزئی از یک تیم و یک گروه است و تولید فردی معنایی ندارد، در تامین شرایط بهتر زندگی برای خود و خانواده اش، تامین شرایط بهتر فروش نیروی کار، نیز عضوی از یک گروه و جمع است و تلاش و کشمکش فردی بجائی نمی رسد. به این ترتیب از تجمع کارگر در روند مصرف نیروی کار تجمع کارگر در روند تعیین شرایط فروش نیروی کار زاده میشود. و این، هم از نظر تحلیلی و هم از نظر تاریخی، سرمنا تشکل و تشکیلاتی کارگری است.

اولین تشکلهای کارگری حول خواست قراردادهای جمعی

تشکل، اساس هویت طبقاتی کارگران



میگیرد منافع جمعی- و در نتیجه منافع فردی خودش- را بهتر و درست تر تشخیص میدهد. رقابتها و کشمکشها که همیشه بین بخشهای مختلف طبقه وجود دارد- بین کارگر بیکار و شاغل، کارگر مهاجر و بومی، کارگر ساده و ماهر و غیره- در تشکل و تصمیمگیری جمعی رنگ میبازد. سرمایه داران و دولتهایشان همیشه بر این رقابتها و تفاوتها درونی طبقه کارگر متکی میشوند و بعنوان ابزار تفرقه در جنبش کارگری از آن استفاده میکنند. اولین گام در مقابله با این تلاشهای طبقه سرمایه دار تشکل و مشورت و تصمیمگیری جمعی در تشکلها است. نفس تشکل و تصمیمگیری جمعی باعث میشود این تفاوتها و تفرقه افکنی ها کنار زده شود و خواه ناخواه منافع جمعی یا طبقاتی کارگر در محور و مرکز توجه قرار بگیرد. به نظر من جنبش کارگری همانقدر قوی است و همانقدر طبقه‌ای است که تشکل باشد. این البته تنها شرط نیست ولی اولین شرط است. تشکل اساس و پایه مادی احراز هویت طبقاتی برای کارگران است

این نقش و جایگاه و اهمیت تشکل یک تمایز اساسی بین جنبش کارگری و دیگر جنبشها است. جنبشها و عرصه های دیگر اعتراض در جامعه نیز به تشکل نیاز دارند ولی برای آنها تشکل تنها ابزار مبارزه است و از این فراتر نمی رود.*

مشترک برای تحقق خواستها و اهداف جمعی دست میزنند. در مقابل، دموکراسی بورژوائی فرد را در انزوا نگاه میدارد و در روز معینی به پای صندوق رای میکشاند. این اشکالش تنها این نیست که چندسال یکبار صورت میگیرد یا مردم آترناتیوی ندارند بلکه مساله اینست که افراد در انزوا و بطور فردی تصمیم میگیرند تحت تاثیر تبلیغات و مغزشویی و مهندسی افکار و غیره. حتی اگر این تبلیغات هم نمی بود در هر حال برای هر فرد در تنهایی و انزوا خواه ناخواه رقابتها و کشمکشها و منافع شخصی برجسته میشود. اگر همین فرد را در جمع قرار بدهید، حتی وقتی موضوع انتخابات و انتخاب مسئولین است، خودبخود منافع و مصالح جمعی و اهداف و خواستهای جمع راهنمای تصمیمگیری و عمل میشود و رای افراد به این سمت سوق پیدا میکند. تصمیم جمعی صرفا جمع بندی و معدل نظرات و تصمیمات افراد جداگانه نیست بلکه اساسا کیفیت دیگری است. کیفیتی که حاصل و تعین هویت اجتماعی افراد است. شورا و مجمع عمومی- که پائین تر به آن میردازیم- بهترین شکل بروز این هویت جمعی است ولی در مورد هر نوع تشکلی این امر صادق است.

کارگری که جمع شده است و در تشکل خودش بحث میکند و تصمیم

تا همین جا باید روشن شده باشد که تشکل و فعالیت جمعی برای ارتقای شرایط زندگی صرفا از ابزار مبارزه فراتر میروند. تشکل پیش شرط تعین طبقاتی کارگران است. هویت اجتماعی طبقه کارگر از طریق تشکل ابراز میشود و تجلی پیدا میکند. وجدان جمعی، همراهی و هم سرنوشتی، پی بردن به منافع مشترک و به ضرورت فعالیت جمعی برای تحقق خواستهای خود، همه اینها با تشکل شکل میگیرند و ممکن میشود.

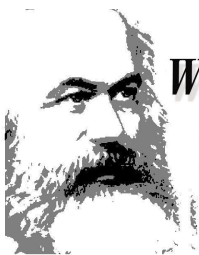
مارکس میگوید طبقه کارگر در روند جدال اش با طبقه سرمایه دار از یک طبقه "در خود" به طبقه ای "برای خود" تبدیل میشود. یک پیش شرط مهم این گذار تشکل است. با اقتصاد سرمایه داری طبقه کارگر نیز بعنوان تولید کننده زاده میشود اما وقوف بر این واقعیت، آگاهی او به هویت طبقاتی اش و قد علم کردنش در مقابل طبقه سرمایه دار، با تشکل شدن او بر سر ارتقای شرایط فروش نیروی کار آغاز میشود.

تفاوت کیفی میان تصمیمگیری جمعی و فردی

یک جنبه دیگر این بحث فرق اساسی و کیفی ای است که بین تصمیمگیری و اقدام جمعی و فردی وجود دارد. این تفاوت را منصور حکمت در نوشته دموکراسی تعابیر یا واقعیات در نقد دموکراسی مطرح کرده است اما به این بحث مشخص ما نیز مربوط میشود. از نظر ما تفاوت بین دموکراسی شورائی و پارلمانی صرفا این نیست که اولی مستقیم و بلاواسطه است و دومی نیابتی و غیر مستقیم، و یا شوراها میتوانند هر زمان اراده کنند مسئولین را نصب و عزل کند و یا هم تصمیم میگیرند و هم اجرا میکنند و غیره. اینها همه خصوصیات ویژه شوراها است ولی یک ویژگی اساسی تشکلهای شورائی که بخصوص به این بحث ما مربوط میشود اینست که فرد در جمع بهتر تصمیم میگیرد، بهتر منافع جمعی و در نتیجه منافع خودش را تشخیص میدهد و به اقدام

(collective bargaining) شکل میگیرد. در تاریخ جنبش کارگری اولین اتحادیه ها از اینجا سر بلند میکنند. امر و هدف این تشکلها بهبود شرایط فروش نیروی کار است. از مساله دستمزدها تا ساعات کار- که تا امروز دو خواست پایه ای و مشخص جنبش کارگری هستند- تا مطالبات و خواستهای متعدد دیگری نظیر بیمه بیکاری، سن بازنشستگی، ایمنی محیط کار، مزایا و غیره و غیره، همه به شرایط فروش نیروی کار مربوط میشود. اینها همه جزئی از خواست و تلاش هر روزه کارگران است برای بهبود شرایط فروش نیروی کار یا عبارت دیگر برای ارتقای سطح زندگی خود و خانواده هایشان. تشکل و متشکل شدن برای انعقاد قراردادهای جمعی با صاحب سرمایه- نفی خصلت فردی مبادله نیروی کار- محور و اساس این تلاش و مبارزه جمعی کارگران است.

یک دستاورد این مبارزات تحمیل قانون کار به طبقه و دولتهای سرمایه داری است. قانون کار در واقع شکل رسمیت یافته و حقوقی قراردادهای جمعی است. این مبارزه هیچگاه متوقف نمیشود. دولتهای سرمایه داری همواره سیاست نفی دستاوردهای جنبش کارگری و زیر پا گذاشتن عملی و حتی رسمی دستاوردهای قانونی طبقه کارگر را دنبال میکنند. در مقابل طبقه کارگر ناگزیر است هر روز برای به روز کردن قانون کار و حفظ و ارتقا و تثبیت قانونی خواستهایش مبارزه کند. نه تنها در کشورهایی نظیر ایران بلکه در جوامع غربی هم زدن بیمه ها و بالا بردن سن بازنشستگی و کاهش و یا ثابت نگاهداشتن سطح دستمزدها و غیره، آنچه ریاضتکشی اقتصادی نامیده میشود، یک گرایش و سیاست مسلط و رایج است. حتی امروز این بحث مطرح است که دستمزدها را به بازار واگذار کنیم و لازم نیست قانون حداقل دستمزد را تعیین کند. بنابراین ارتقای شرایط فروش نیروی کار، رسمیت بخشیدن قانونی به آنها و حتی تثبیت دستاوردهای تاکتونی جنبش کارگری موضوع مبارزه هر روزه کارگران است.



WE STILL NEED MARX
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran
www.wpiran.org



نسان نودینیان

همراه مادران، برای آزادی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی!

خلاصه چند خبر از دستگیریه‌ها و اعتراضات به آنها چنین است:

* هفته گذشته جلسه رسیدگی به اتهامات اسماعیل بخشی، سپیده قلیان، امیر امیرقلی، ساناز اله یاری و امیر حسین محمدی فر تحت عنوان آخرین دفاع در شعبه ۷ بازپرسی دادسرای اوین برگزار شد. همزمان طی احضاریه‌های جداگانه‌ای از علی نجاتی و عسل محمدی خواسته شده است طی ۵ روز آینده در محل دادسرا حاضر شوند.

* خبر احضار علی نجاتی، عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه به این دادسرا جهت اخذ آخرین دفاعیات منتشر شد.

* "عسل محمدی نیز جهت حضور در دادسرا احضار شده است."

* سارا شقاقی مادر ناهید شقاقی بعد از سه روز بی‌خبری از فرزندش می‌گوید: "سه روز است دخترم را برده‌اند و خبری از او ندارم. من نگران دخترم هستم. کجای دنیا دفاع از حقوق زنان، سوادآموزی و کمک به زلزله زده و سیل زده جرم است." ناهید شقاقی، فعال حقوق زنان روز چهارشنبه ۲۵ اردیبهشت‌ماه ۹۸، توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به بازداشتگاه وزارت اطلاعات موسوم به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شده است.

* احترام شکوری مادر ناهید خداجو می‌گوید: "ناهید خداجو، دختر من، دختر خوب، دختر مهربان، دختر مردم دوست، دختر خانواده دوست هیچ کار خطایی نکرده، روز ۱۱ اردیبهشت رفته دم مجلس مثل همه مردم، چون خودش کارگره، از حق کارگر و از حق خودش دفاع کرده... من از مردم تقاضا دارم بیایند از این بچه‌هایی که دستگیر شدند حمایت کنند تا بچه‌های ما که هیچ خلافی نکرده‌اند آزاد شوند" ناهید خداجو عضو هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران در روز جهانی کارگر در مقابل مجلس بازداشت و به زندان اوین منتقل شد و تاکنون در بلا تکلیفی بسر میرود.

ملی"، "اخلال در نظم" و غیره محکوم شده و علیه آنها پرونده‌های قضائی باز شده و با حکم زندان گرفته‌اند.

این اتهامات در واقع نفی حق آزادی بیان و نفی حق اعتصاب و اعتراض در جامعه است. بنابراین واضح است که منظور این رژیم از "امنیت ملی"، همان حفاظت از منافع یک مشت سرمایه دار است در ازای تباهی و به ورطه نابودی سوق دادن اکثریت جامعه. از اینرو حکومت اسلامی سرمایه و دولت بعنوان علیه جبهه کارگران و مردم بدست گرفته است. فقط محصول یک قلم از نتایج این سیاست ضد انسانی اینست که ده‌ها نفر از سخنگویان و فعالین زنان، کارگران و معلمان و نهادهای مدافع حقوق کودک و زیست محیط و نویسندگان را به زندان انداخته و طبق خبر این ستون هر روز به بهانه‌ای ناهید خداجو، جعفر عظیم زاده، فرهاد شیخی، علی نجاتی، بهنام ابراهیم زاده، اسماعیل بخشی، سپیده قلیان، امیر امیرقلی، ساناز اله یاری و امیر حسین محمدی فر و... مورد بازجویی و اتهامات واهی و محکومیت‌های چند ساله قرار می‌گیرند. کارگران و مردم هم چاره‌ای جز مقابله با این توحش حکومت ندارند، و هر روز بشیوه‌های مختلفی علیه سیاست توطئه‌گرانه "اقدام علیه امنیت ملی" می‌ایستند و لغو این اتهامات به پرونده سیاسی - مطالباتی فعالین کارگری، معلمان و زندانیان سیاسی تبدیل شده است!

در چند روز گذشته تجمعهای اعتراضی برای آزادی دستگیر شدگان مراسم روز کارگر و تجمع اعتراضی معلمان در ۱۲ اردیبهشت ۹۸ برگزار شده. خانواده دستگیر شدگان با حمایت و دخالت فعالین کارگری و معلمان مناسبترین کانونهایی هستند که میتوانند در ظرفیت فراخوان دهنده آکسیون‌های اعتراضی ابراز وجود کنند. خانواده‌ها میتوانند در اشکال مختلف متحد شوند و کیفرخواست اعتراض به دستگیری‌ها را از طریق سازماندهی میتینگ و تجمعات دنبال کنند. راه چاره اساسی و بربایی تجمع‌های بزرگ و کوبنده است.

پیام ویدئویی مادر ناهید خداجو در

امنیتی کردن فعالیت در عرصه‌های کارگری، اجتماعی و صنفی قدمت طولانی دارد. در چند سال گذشته با عروج نسل تازه‌ای از فعالین زنان، کارگران و معلمان و نهادهای مدافع حقوق کودک و زیست محیطی و نویسندگان، نهادهای امنیتی و اطلاعاتی حکومت اسلامی، مانند همه دیکتاتوریه‌های سرکوبگر، هر تلاش و اعتراض کارگران و معلمان و سایر بخشهای جامعه در دفاع از حقوق پایه‌ای خود را "اخلال در امنیت ملی" می‌خوانند و با تعقیب و بازداشت و زندان و شکنجه و اعدام پاسخ می‌دهند. در شرایط کنونی که از یکسو جمهوری اسلامی در بحران عمیق سیاسی و اقتصادی قرار گرفته و همچنین جدال لفظی آمریکا و جمهوری اسلامی و تبلیغات جنگی فضای جامعه را احاطه کرده، و از طرف دیگر از دی ماه ۹۶ باینسو اعتراضات کارگران و مردم وارد فاز جدیدی شده و هر روز بر تعداد اعتصاب و تجمع‌های نارضایتی افزوده میشود و توده وسیعی از مردم در شهرها و کارخانه و مراکز تولیدی در مبارزه‌ای دائمی و بی‌وقفه صف بندی کرده‌اند، سیاست دستگیری فعالین و سخنگوهای فعالین زنان، کارگران و معلمان و نهادهای مدافع حقوق کودک و زیست محیط و نویسندگان ادامه دارد.

"اخلال در امنیت" بهانه و پاپوش قانونی است که اساس پرونده‌های زندانیان علیه کارگران و معلمان و همه سیاست‌ادعانی است آشکارا پوچ، ضد آزادی بیان و ضد صدای آزادیخواهی و برای سرکوب و بستن صداهای اعتراضی به نابرابری، گرانی، پرداخت نکردن دستمزدها و فقر و ناامنی معیشتی. اتهام "اقدام علیه امنیت ملی" و صله ناروانی است که به کارگران و معلمان و هر انسان مزدبگیر معترض به شرایط فلاکت‌بار زندگی اش، زده می‌شود، یک ابزار مرعوب کردن جامعه است که با ایجاد فضای ترس و وحشت سعی در خفه کردن صدای حق طلبی و ممانعت از بروز اعتراضات دارد. کارگران و معلمان و فعالین زیادی هم اکنون به خاطر اعتراض به پایین بودن دستمزد یا نپرداختن دستمزدشان، و اعتراض به گرانی و امثال آن با همین اتهامات مسخره "اقدام علیه امنیت

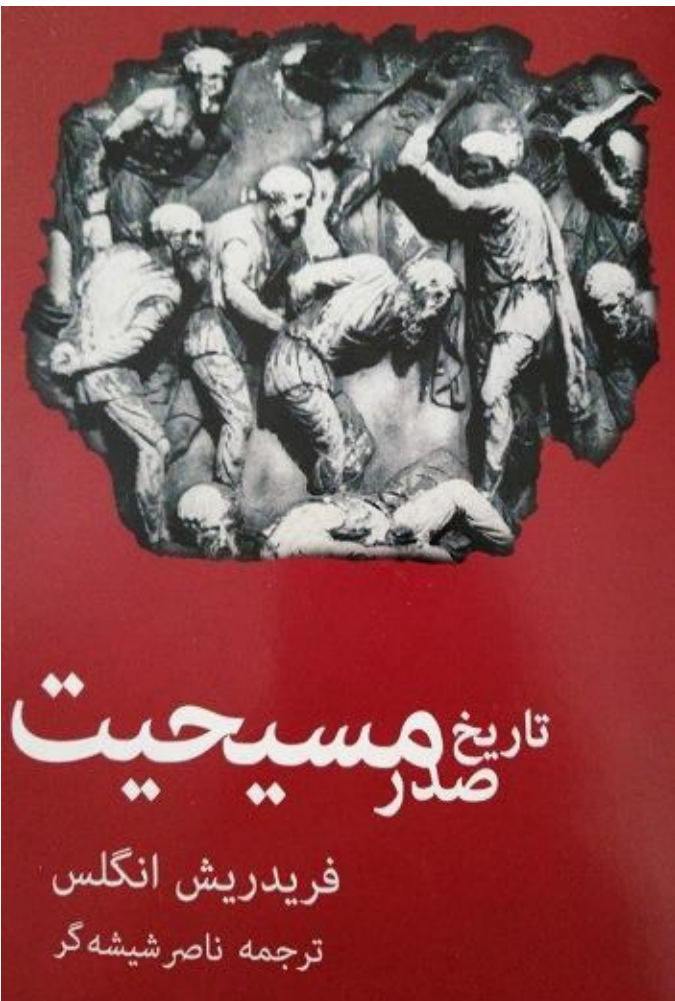
معرفی کتاب: تاریخ صدر مسیحیت

آلمانی‌ها همواره در حوزه‌های مختلف علوم دست داشته‌اند و حتی در بسیاری از این رشته‌ها سرآمد سایر کشورها بوده‌اند. نقد متون دینی، علمی اساساً آلمانی است که سابقه‌ای دیرینه دارد، بطوری که در حوزه پژوهش‌های دینی به نام عده زیادی از محققان آلمانی برمی‌خوریم.

در سال ۱۸۴۱ فردیناند بناری، کارشناس انجیل و استاد دانشگاه، یک دوره درس درباره انجیل‌ها در دانشگاه برلین داد که متن کتبی آنها در "سالنامه‌های برلینی نقد علمی"، ارگان پرنفوذ هگلیان راست، منتشر شد. انگلس در نامه‌اش به کارل کائوتسکی به تاریخ ۲۸ ژوئیه ۱۸۹۴ نوشت: "من بعد از خواندن درسنامه ف. بناری در باب مکاشفه یوحنا، از همان سال ۱۸۴۱ به غور و تفحص در این موضوع پرداختم. از آن موقع برایم شکی باقی نماند که ما با کهن‌ترین و مهم‌ترین کتاب وصایای عهد جدید سر و کار داریم".

انگلس پس از ۵۳ سال پروراندن موضوع در ذهن خود سرانجام مقاله تاریخ صدر مسیحیت را در سه بخش برای ماهنامه "عصر جدید" ارگان تئوریک سوسیال‌دمکرات‌های آلمان، به رشته تحریر کشید. او در این مقاله به اختصار به تاریخ دو جنبش توده‌ای بزرگ به موازات هم می‌پردازد و خصوصیات آن‌ها را برمی‌شمارد و مشابهت‌های جنبش مسیحی و کمونیستی را در بعضی از زمینه‌ها نشان می‌دهد. او سپس کهن‌ترین کتاب مسیحیت را بررسی می‌کند و به کمک آن تفاوت‌های مسیحیت نخستین را با مسیحیت بعدی نشان می‌دهد.

مترجم پیشگفتاری بر مقاله انگلس نوشته و یادداشت‌هایی را نیز در پایان کتاب آورده است تا جزئیات مطلب و ارجاعات و اشارات آن برای خوانندگان فارسی زبان روشن شود. این کتاب چه برای افراد علاقمندی که با تاریخ و زمینه‌های اجتماعی و عقیدتی مسیحیت یا کمونیسم سابقه‌آشنایی دارند و چه برای کسانی که این آشنایی را ندارند مجموعه‌ای بسیار خواندنی است.



کتاب تاریخ صدر مسیحیت اخیراً به وسیله انتشارات کتاب ارزان در سوئد منتشر شده است. بهای این کتاب معادل با ۱۵۰ کرون سوئد است و برای سفارش آن می‌توانید با شماره تلفن و یا آدرس زیر تماس بگیرید:

www.arzan.se - +۴۶۷۳۰۵۶۶۱۴

از صفحه ۵

همراه مادران، برای آزادی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی!

میدبای اجتماعی فراخوان روشن و رادیکالی خطاب به خانواده‌های دستگیر شده و کسانی است که امروز با تلاشهایشان و با تجمع‌های اعتراضی و با فراخوانهایشان برای آزادی کارگران و معلمان زندانی مبارزه میکنند. خانم احترام شکوری مادر ناهید خداجو از حرمت و کرامت ناهید بعنوان کارگر دفاع میکند، و شجاعانه در سنگر مبارزه علیه امنیتی کردن

فعالیت ناهید، علیه اخاذی و وثیقه‌های ضد انسانی و میلیونی ایستاده است. حضور مادر پروین محمدی، مادر آناهیتا، مادر سارا شقاقی، اسماعیل بخشی، ستار بهشتی، سپیده قلیان و ده‌ها مادر و وابستگان دور و نزدیک کارگران، معلمان و زندانیان سیاسی همرا با توده وسیعی از فعالین کارگری و اجتماعی حرکت نوین اعتراضی است که قابل برگشت نیست. این حرکت نمادین و اعتراضی که از دیدار با خانواده‌های دستگیر شدگان شروع شده امروز تبدیل به تجمعات اعتراضی در مقابل زندانها و فراخوانهای ویدئویی در میدبای اجتماعی شده است. پیامهای ویدئویی مادر پروین محمدی، ناهید خداجو و اقدام برجسته روز ۲۹ بهمن ۹۷

خانواده اسماعیل بخشی رهبر محبوب کارگران نیشکر هفت تپه همراه با جمعی از کارگران این مجتمع در اعتراض به ادامه بازداشت او در مقابل دادگستری شوش دستاوردهای زنده اعتراض و عکس العمل اجتماعی است که باید بدست گرفته شود و به تعداد این اقدامات اضافه کرد.

امروز جدال مردم با جمهوری اسلامی و نهادهای امنیتی آن عمیقتر از همیشه شده است. از یک طرف دولت و هیئت حاکمه با بدست گرفتن اتهام "اخلال در امنیت" برای حفاظت از نظام اسلامی سرمایه دست به هر جنایت و عمل ضد انسانی و کثیفی میزنند، و در جبهه مقابل کارگران و مردم معترض سنگرهای خودشان را در اشکال مختلف اعتراضی و

مبارزاتی میسازند. امروز با دست زدن به تجمعهای مداوم برای آزادی دستگیر شدگان، با بمیدان آمدن مادران شجاع و مبارز کارگران و معلمان و دیگر زندانیان سیاسی و فراخوانهای آنها صدای اعتراض وسیعتر شنیده میشود و در نهایت علیه سیاست کثیف و ضد انسانی وثیقه و اخاذی و دزدی نهادهای امنیتی وارد کارزاری جدید میشویم در ادامه کارزارهای تاکتونی علیه امنیتی کردن فعالیتهای کارگران و معلمان و عرصه‌های اجتماعی و علیه سیاست شکنجه و اعتراف.*

۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۸



محمد رضا پویا

"قوانین دست و پا گیر"

شاخ و شانه کشیدنیهای نظامی مابین دولت آمریکا و جمهوری اسلامی وارد فاز جدیدی شده است. ورود تعداد بیشتری از نیروهای نظامی آمریکا به کشورهای خلیج و حرکات نیابتی-ایذایی رژیم اسلامی، فضای میلیتاریستی منطقه را افزایش و به نگرانیهای امکان وقوع جنگ افزوده است. صرفنظر از اینکه چه میزان امکان وقوع جنگ وجود دارد، خود این مسابقه نظامی و قبل از آن تحریم اقتصادی، اقتصاد دست بنقد ویران شده و از هم پاشیده رژیم اسلامی را به ایستگاه فروپاشی رسانده است. اوضاع به نقطه ای رسیده است که خامنه ای هارت و پورتیهای همیشگی اش را بکناری گذاشته و "اوضاع اقتصادی" را مهمترین مشکل مملکت اعلام میکند. نگران است که از این "ناحیه" ضربه بخورد و لذا در پی دور

زدن "قوانین دست و پا گیر" است. معنی این واگذاری تتمه اقتصاد نیم جان مملکت به سپاه پاسداران است. ایجاد فضای نظامی، "اقتصاد جنگی" هم بیار می آورد. رهبرشان قبلا بچشم دیده است که کارگران مشغول بکار در پروژه های نان و آب دار قرارگاه های سپاه چگونه بدون هیچگونه "گیری" توسط سرداران قاچاقچی اخراج میشوند. "مدل" اخراج در اسرع وقت بدون هیچگونه تبعات بعدی، شاید در مخیله رهبرشان کادو پیشکشی حکومت اسلامی به جنایتکاران سپاه در این "شرایط خطر" است. بشارت دور زدن "قوانین دست و پا گیر" و اخراج جهاد گونه فله ای کارگران میتوانست بماند "وعده بهشت" برای دزدان اسلامی شیرین باشد اما آنچه که امروز در ایران اقتصاد خوانده میشود، یک ویرانه فرو پاشیده ای است که

اسید پاش غایب

محمد رضا پویا

جمعه اصفهان تعدادی از اوباش اسلامی به صورت چهار زن در خیابان در روز روشن اسید پاشیدند تا بزعم خودشان خیابانها را از "لوٹ گناهکاران" پاکسازی کنند. متعاقب این جنایت مردم در اصفهان و تهران بخیابان آمدند و آدرس اسید پاشان را که به "بیت امام جمعه" ختم میشد، به کل دنیا مخابره کردند. حکومت اسید پاش بمردم معترض حمله نمود تا موج رسوایی بیار آمده را بخواباند. رژیم اسلامی حتی برای حفظ ظاهر هم کسی را در این ارتباط دستگیر نکرد تا مردترین شهروندان کشور هم یقین حاصل کنند که اسید پاشان از لانه اسلاميون بیرون زده اند و این جنایت هولناک را مرتکب شدند. شگفت آور نبود که بعد از این واقعه، کاربدستان حکومتی همواره با ابهام و دو

مجلس اسلامی کلیات طرح یک فوریتی "تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه دیدگان" را تصویب کردند. طرح این مساله در مجلس اسلامی در وهله اول اعتراف رژیم اسلامی به گستردگی اسید پاشی در جامعه است. اوج این توحش در سال 93 در اصفهان بود. بدستور امام

پهلوی در اینمورد اظهار نظر کردند. این ابهام گویی در طرح یک فوریتی هم دیده میشود: "در خصوص دیه نیز در صورتی که مرتکب در دسترس نباشد، دیه فرد بزه دیده از بیت المال پرداخت می شود" سر راست دارند به زنان پیغام میدهند که در مواردی اسید پاش "در دسترس" نخواهد بود و لذا دولت "دیه" را می پردازد. اظهارات رمز گونه در این عرصه البته در جامعه بی هیچ ابهامی و با صراحت به اعلان جنگ اسلاميون با جنبش زنان، ترجمه میشود. ضدیت جنون آمیز اسلام با زنان در این مملکت البته تصویر آشنایی است اما آنچه که امروز تحت لوای طرح تشدید مجازات اسید پاشان در جریان است، قبل از آنکه مجازات اسید پاش را مد نظر داشته باشد، حاوی این پیام است

که اسید پاشی از فرط وفور و تکرار "قانون" لازم شده است اما با این تبصره که مورد گیر نیفتادن اسید پاش از قبل چنان برای "قانونگزاران اسلامی" قابل پیش بینی است که پرداخت دیه اش را پیشا پیش بگردن گرفته اند.

پاسخ حکومت اسید پاش را دانشجویان آزادیخواه در دانشگاه تهران داده اند. اینها خروجی جنبشی هستند که در چهار دهه اخیر اسلام و قوانینش را به چالش کشیدند، جنبشی که علیرغم همه فشار و سرکوبها، از نفی حجاب اسلامی و مقابله با "یواشکی های" جنبش روسری رنگی ها، دست نکشید. همینها هم امام جمعه اسید پاش و اعوان انصارشان را به محاکم مردمی خواهند برد. در آنجا تماما "مرتکب در دسترس" خواهد بود.*

ناهید خداجو:

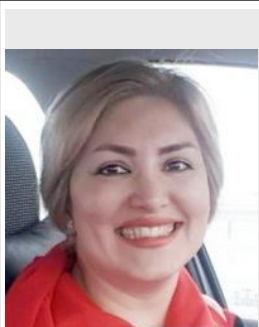


این دنیای وارونه را چگونه باید تفسیر کرد؟ امنیت ملی امنیت حاکمان و سرمایه دارهاست. امنیت آقا زاده هاست امنیت آنهایی است که زندگی را به کام انسان و انسانیت تلخ کرده اند امنیت آنهایی است که زندانها را پیا پیا کرده اند و به قصد خاموش کردن آنهایی که در مقابل تعرض به زندگی شان مقاومت کرده و معترضند.

امنیت میلیونها انسان در جامعه و یک زندگی بی دغدغه برای همه مفهوم واقعی امنیت ملی ست. اما امنیت سرمایه و حامیانش به صورت آرا و تفکر حاکم قانون شد و از این طریق امنیت اکثریت جامعه به خطر افتاد. این دنیای وارونه را نمیشود تحمل کرد.

سارا شقاقی مادر ناهید شقاقی بعد از سه روز بی خبری از فرزندش می گوید: "سه روز است دخترم را برده اند و خبری از او ندارم. من نگران دخترم هستم. کجای دنیا دفاع از حقوق زنان، سوادآموزی و کمک به زلزله زده و سیل زده جرم است."

ناهید شقاقی، فعال حقوق زنان روز چهارشنبه ۲۵ اردیبهشت ماه ۹۸، توسط نیروهای امنیتی بازداشت و به بازداشتگاه وزارت اطلاعات موسوم به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل شده است.



ناهید شقاقی

"کارگران در ایران تشکل گریزند!" یک ادعای غیر واقعی

ناصر اصغری



از آنها کسی مشابه این حرفهای شما را شنیده است. بنابراین سوال هنوز اینست که منظورتان کدام تشکلهاست؟ آیا ایشان دارد درباره شوراها و اسلامی کار و انجمنهای صنفی و کلا تشکلهای دولتی حرف میزند که اینها ارگانهای ضدکارگری حکومتند و نه تشکل کارگری، آنگاه آقای فرج اللهی باید به نکاتی پاسخ دهند: اگر منظور ایشان این تشکلهای دولتی است که کارگران به اینها جواب نمیدهند آنگاه چرا از این تشکلهای بعنوان موانع قانونی اسم میبرد؟ آیا معضل تناقض بین حرفهای کاظم فرج اللهی است که از یکسوی شورای اسلامی را مانع میدانند و از سوی دیگر به کارگران ایراد میگیرد که برای انتخاب هیات مدیره آن رغبتی نشان نمیدهند یا اینکه اساس بحث تشکل گریزی کارگران پوچ است و همین ایشان را به تناقض گوئی انداخته است؟ اما اگر مورد اول است آنگاه چه خوب که کارگران این جنایتکاران را می شناسند و به جنگ و دعوای درون خانوادگی این جانوران اسلامی بی اعتنایی می کنند.

کارگران ایران از تشکل مستقل از دولت و کارفرمایان گریزی ندارند. بهتر از هر تحلیلگر و ژورنالیستی می دانند که اگر شانس برای نقد کردن دستمزدهای پرداخت نشده داشته باشند، باید متشکل بشوند. این از داده های جنبش امروز کارگری ایران است که در چپ شدن جامعه ای که می رود تا جمهوری اسلامی را سرنگون کند، نقشی اساسی داشته است. کارگران همانقدر که از امثال لاجوردی و احمدی نژاد خوردند، از محجوب و غلامرضا عباسی و حسن صادقی ها هم خورده اند. همه اینها ستونهای یک رژیم جنایتکاری هستند که نفسهای آخرش را می کشد.*

۲۰ مه ۲۰۱۹

می خواهند کارگران را متشکل کنند! ما نمی دانیم که ایشان خوانندگان سایت "میدان" را چقدر از سیاست در ایران پرت و بی خبر میدانند که ایشان دست به ابراز چنین ادعاهای بی پایه ای میزند. در طول تاریخ جمهوری اسلامی می توانیم تشکل های کارگری مستقل را با اسم نام برد که از تعداد انگشتان دو دست هم فراتر نمی روند. می توان با سند و گام بگام نشان داد که با چه سرکوبهایی مواجه شدند. چندین فعال اتحادیه صنعتگر در سنجندج را زندان و شکنجه کردند. محمود صالحی، فعال سندیکای کارگران خباز سقر را دهها بار زندان و شکنجه کردند. فعالین سندیکای کارگران شرکت واحد را اخراج کردند، در لیست سیاه گذاشتند و با مکتب بر به جانشان افتادند. علی نجاتی، اسماعیل بخشی و چندین تن دیگر از فعالین سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه هنوز درگیر زندان و وثیقه و بیکاری هستند! طرح اینگونه مسائل بی پایه و اساس گوینده آنها را نزد مخاطب بی اعتباری می کند. بنابراین برای هر کس اندک توجهی به تحرک کارگران کرده باشد میتواند مشاهده کند که جمهوری اسلامی هرگونه تلاش کارگران برای متشکل شدن را تا توانسته سرکوب کرده است.

در مورد ادعای دومش که "هنگامی که برخی کارگران دعوت می شوند تا در جهت برکناری هیات مدیره فاسد یا ناکارآمدی که در مسند است و یا تلاش برای گزینش هیات مدیره جدید همکاری کنند...؟" باید پرسید: هیات مدیره کدام تشکل کارگری؟ بعید است منظورتان "سندیکای واحد"، "سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه"، و "سندیکای کارگران خباز سقر" و نمونه های مشابه آنها باشد، چون اکثر فعالین این تشکلهایی که اشاره کردم هنوز زخم سرکوبهای رژیم را بر تشنان دارند و تاکنون

به ویژه ایجاد تشکل های صنفی مستقل با موانعی از قبیل تشکل گریزی کارگران و دوری یا کم اقبالی و گاه بدبینی آنها نسبت به فعالیت های گروهی مواجه هستند. پاسخ هایی از این دست از کارگران شنیده می شود: "حالا این تشکل جدید برای ما می خواهد چه کند؟" یا "این ها هم که آمده اند و می خواهند سندیکا یا تشکل تازه ای درست کنند، در پی منافع خود هستند و هیچ گره ای در راه رضای خدا موش نمی گیرد؛" یا هنگامی که برخی کارگران دعوت می شوند تا در جهت برکناری هیات مدیره فاسد یا ناکارآمدی که در مسند است و یا تلاش برای گزینش هیات مدیره جدید همکاری کنند، چنین پاسخ هایی برای توجیه عدم همکاری کم شنیده نمی شود: "تا امروز هیچ بدی نرفته که خوب به جایش بیاید" یا "این هیات مدیره کنونی به قدر کافی خورده و برده اند و تازه راه و شیوه کار را یاد گرفته اند، که هم کیسه خود را پر کنند و هم تا حدی برای ما کار کنند. اگر آدم های جدید بیایند، تا راه و چاه کار را یاد بگیرند کلاه ما پس معرکه است و مقدار زیادی منابع هدر خواهد رفت."

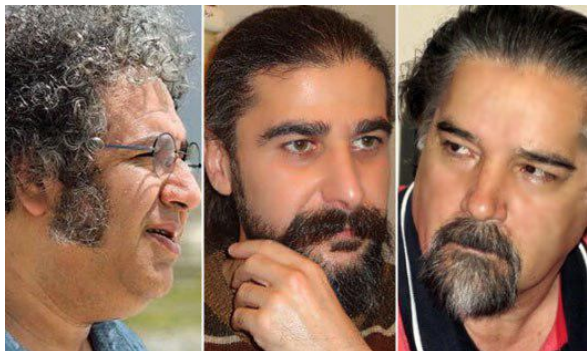
در این نقل قول دو موضوع ابراز شده اند؛ یکی غیر واقعی و "من درآوردی" است و دیگری حد اقل و در حالت خوش بینانه بجا گذاشتن یک ابهام مهم درباره تشکلهای رژیمی است. اگر بخواهیم صورت مسئله را از ایشان بپذیریم، حرف ایشان را باید اینجوری تفسیر کرد که فعالین کارگری بدون هیچگونه مانع سیاسی و قانونی (با خواهش و تمنا دست به دامن) دنبال کارگران هستند که بیایند تشکل خود را ایجاد کنند، اما کارگران بی اعتنائی می کنند، چرا که از تجارب گذشته این خاطره تلخ برایشان بجا مانده که فعالین کارگری برای منافع خودشان

جمهوری اسلامی از همان فردای پیروزی انقلاب ۵۷، بدون وقفه مشغول سرکوب جامعه ای متوقع و انقلاب کرده بوده است. جامعه ای که در پیشاپیش آن کارگران و زنانی قرار داشتند که به خانه راندنشان سرکوبی خونین از نوع دهه ۶۰ لازم بود. یک رکن اصلی سرکوب در تمام این چهل سال حکومت اسلامی، سرکوب تلاش کارگران برای متشکل شدن بوده است. نوک تیز سرکوب جمهوری اسلامی در جنبش کارگری، ایجاد نهادهای جاسوسی در میان کارگران با عنوان شوراها و اسلامی کار و دیگر شاخکهای خانه کارگر اسلامی بوده است. گزینش سیاسی ای قوی در جامعه بود که حمایت خارجی مهمی هم در دوره خود داشت، و در میان فعالین کارگری هم قوی بود، با این نهادهای سرکوب رژیم در میان کارگران نه تنها کنار آمد بلکه خیلی هم سعی کرد این نهادها را بعنوان "تشکل کارگری" اما معیوب و قابل اصلاح! به کارگران بفروشد. با اینکه جمهوری اسلامی بوی حلوائش بلند شده، هنوز تلاش فعالین این گرایش ادامه دارد و آن را در تلاشهای افرادی چون حسین اکبری، ناصر آقاجری و کاظم فرج اللهی شاهد هستیم.

کاظم فرج اللهی اخیرا در یک مصاحبه که در سایت "میدان" درج شده است مسائلی درباره موقعیت جنبش کارگری مطرح میکند که حاوی نکاتی غیر واقعی هم هست. وی در جواب به این سؤال که فعالان کارگری در ایران با چه چالش هایی برای ایجاد تشکل مواجه اند، بخشی از گناه را متوجه کارگران می کند. او از دو مانع روبروی فعالین کارگری حرف میزند، یکی "موانع قانونی" و دیگر "موانع ذهنی".

او درباره موانع ذهنی میگوید: "کارگران فعال در امور صنفی و همین طور "فعالان کارگری" در فعالیت های صنفی خود و

بیانیه‌ی کانون نویسندگان ایران در محکومیت صدور حکم هجده سال زندان برای سه نویسنده



به دنبال محاکمه‌ی سه عضو کانون نویسندگان ایران در هفتم و هشتم اردیبهشت سال جاری روز گذشته، بیست و پنجم اردیبهشت، رای شعبه‌ی ۲۸ دادگاه انقلاب به وکلای پرونده ابلاغ شد. بنا به این ابلاغیه رضا خندان (مهابادی)، بکتاش آبتین و کیوان باژن هر یک به شش سال زندان محکوم شده‌اند: یک سال برای اتهام "تبلیغ علیه نظام" و پنج سال برای اتهام "اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور". نامربوط‌تر و سست‌بنیان‌تر از این اتهام‌ها "دلایل" و "مستندات" آنهاست. به سه نویسنده مجموعاً ۱۸ سال حکم زندان داده‌اند که چرا عضو کانون نویسندگان ایران شده‌اید؛ چرا نشریه‌ی داخلی یک تشکل فرهنگی را منتشر کرده‌اید؛ چرا اسناد و مدارک فعالیت‌های پنجاه ساله‌ی کانون را در کتابی گرد آورده‌اید؛ چرا بر مزار احمد شاملو و محمد مختاری و جعفر پوینده رفته‌اید؛ چرا پای بیانیه‌های دفاع از آزادی بیان نویسندگان و هنرمندان و مخالفت با اعدام و سانسور امضا گذاشته‌اید!

این کدام "امنیت کشور" است که انتشار نشریه و بیانیه‌ی اعتراضی اقدام علیه آن محسوب می‌شود؟ امنیت چه کسانی با عضویت در کانون و رفتن بر مزار شاعران و نویسندگان به خطر می‌افتد؟ هر دادگاهی که حتی با اندکی عدالت و استقلال همراه باشد و ذره‌ای حق انسان در آن رعایت شود نیز این نوع "مستندات" را نه ادله‌ی جرم بلکه بهانه‌ی پرونده‌سازی تلقی می‌کند. در حقیقت آنچه در پرونده و دادگاه سه عضو کانون مبنای اتهام و صدور حکم قرار گرفته است چیزی جز گام نهادن در راه آزادی بیان و مخالفت با سانسور نیست و درست به همین سبب آنها محاکمه و محکوم به تحمل حبس شده‌اند؛ اما این فقط محاکمه و محکومیت سه نویسنده نیست، تنها محاکمه‌ی کانون نویسندگان ایران نیست. محکومیت همه‌ی نویسندگان و کسانی است که می‌خواهند از حق آزادی بیان برخوردار باشند. به این گونه محاکمه‌ها و حکم‌هایی که در چند دهه‌ی اخیر برای پراکندن رعب و وحشت و سرکوب آزادی بیان به وفور در جریان بوده است، باید پایان داده شود.

کانون نویسندگان ایران پرونده‌سازی و صدور حکم‌های سرکوبگرانه بر ضد رضا خندان (مهابادی)، بکتاش آبتین و کیوان باژن را محکوم می‌کند و خواهان لغو بی‌قید و شرط این حکم‌ها و مخومه کردن پرونده است. همچنین از همه‌ی نویسندگان و انسان‌های مدافع آزادی بیان می‌خواهد تا از هر راه ممکن به دفاع از این سه نویسنده بپردازند.

کانون نویسندگان ایران
۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۸

بیانیه جمعی از فعالین کارگری و زنان شهر مریوان در محکومیت قتل های ناموسی در این شهر

ما امروز اینجا جمع شده‌ایم تا کیفرخواست خود را علیه مناسباتی که هر روز از زنان قربانی می‌گیرد، فریاد بزنیم و اعلام کنیم که تا رسیدن به جامعه‌ای برابر و عاری از خشونت از پای نخواهیم نشست.

خشونت و نقض حقوق زنان ریشه در مناسبات و مسائل اجتماعی دارد که متأسفانه امروزه و در چند روز اخیر بیشتر و بیشتر شاهد آن هستیم. از جمله برخورد فیزیکی، آزار جنسی، فشار روانی و قتل که همه‌ی این معضلات ریشه در افکار مردسالار و ساختارهای ارتجاعی دارند. محیط کار و آموزش، خانواده و سایر محیط محیط‌های اجتماعی همه از مواردی هستند که در آن، زنان بیشتر تحت فشار روانی و فیزیکی قرار می‌گیرند، که گاهی منجر به خودکشی و یا اعمال قتل از جانب افراد خانواده می‌شود.

نتایج و بازتاب‌های منفی این خشونت در جامعه به گونه‌ای است که شاید کشتار و خودکشی زنان و هر انسانی امری طبیعی و نرمال تلقی شود. اما باید متذکر شد که این توحش نه تنها امری طبیعی نیست، بلکه باید آن را نوعی آسیب اجتماعی دانست که گریبان جامعه‌ی انسانی را گرفته است.

خشونت فیزیکی، قتل‌های ناموسی، تجاوز و به بردگی گرفتن زنان، بازتولید افکار مردسالارانه و ارتجاعی است که برای مقابله با این چنین توحش ضدبشری، بایستی تمامی انسان‌های آگاه و مبارز در برابر آن قد علم کنند، که در غیر این صورت، سکوت در قبال فریادهای تمامی قربانیان این نابرابری‌ها را اعمال کرده‌ایم. آن هم در عصری که چندین دهه پیش حامیان زر و پول بر این باور بودند که با سر آمدن تاریخ و پایان آن، راه برای مبارزات مردمی علیه هر ارتجاعی به بن‌بست رسیده و همگان باید تسلیم نظام سرمایه‌داری شوند. غافل از اینکه با پیشرفت ارتباطات و گسترش بازار آزاد به تمامی نقاط جهان، تمامی مبارزات مردمی و جنبش‌های اجتماعی و هر نوع دفاع از حقوق زنان، کودکان و کارگران به مراتب گسترش یافته و همچنان نیازمند تفکر و آگاهی‌بخشی خواهند بود.

در طول دو ماه اخیر شاهد چندین مورد خودکشی و قتل ناموسی در کردستان بوده‌ایم و ما نیز بر خود لازم دانستیم که در مقابل این اعمال زشت و ضدانسانی سکوت ننماییم و نفرت و انزجارمان را نسبت به آمرین و عاملین این جنایات اعلام نماییم.

و اما، توحش و خشونت علیه زنان به هر طریقی و هر شیوه‌ای باید متوقف شود و لازم است هر انسان آزادی‌خواه و آگاه و همه‌ی جوامع بشری در تمامی نقاط این کره‌ی خاکی، در برابر آن به پا خیزند تا برای بنا نهادن جامعه‌ای عاری از خشونت همت گماریم.

نه به خشونت علیه زنان

نه به قتل‌های ناموسی

نه به آزار جنسی

نه به ازدواج اجباری

نه به ازدواج کودکان

(جمعی از فعالین کارگری و اجتماعی شهر مریوان) ۱۳۹۸/۲/۲۶

بیانیه خبری اتحادیه آزاد کارگران ایران پیرامون وضعیت کارگران شرکت نیشکر هفت تپه

بازداشت نمودند.

برخی از کارگران که بعد از احضار آزاد شده اند اعلام نموده اند که اداره اطلاعات کارگران را به تشکیل پرونده های قضایی تهدید نموده و از ایشان تعهد اخذ کرده است. همچنین اینکه اداره اطلاعات اقدام به شناسایی اعضا و ادمین های کانال های تلگرامی کارگران هفت تپه کرده و عنوان نموده اند که این کانال ها در حال ایجاد تشنج بر خلاف مصالح شرکت و کشور هستند و باید از دسترس خارج شوند.

اسامی برخی از کارگرانی که تا به اکنون احضار و یا بازداشت شده اند به قرار زیر است:

صاحب ظهیری، امید آزادی، ناصر نعمی، کیانی نژاد، فیصل ثعالی، اسماعیل جعاوله، رستم کثیر، عادل سمعی، محمد خنیفر و ...

این تهدید و احضار و بازداشت ها از اینرو صورت میگیرد که از اتحاد و اعتراض مجدد کارگران هفت تپه جلوگیری شود. ما همانگونه که در بیانیه های قبلی و در جریان اعتصاب قدرتمند گذشته اعلام کرده بودیم که کارفرمای رانتخوار هفت تپه با تمامی دم و دستگاه سرکوب دولتی که به حمایتشان برخاسته اند نمیتوانند زندگی چند هزار خانواده کارگری را به مسلخ برده و با سیل اعتراض ویرانگر کارگران مواجه نشوند. اعلام کرده بودیم که اگر مطالبات کارگران شرکت را محقق نکنند و بخواهند دوباره به همان منوال سابق با به گرو گرفتن دستمزد کارگران و عدم ضمانت شغلی به چپاول دسترنج کارگران ادامه دهند کارگران همانگونه که تاکنون نشان داده اند ساکت نشسته و با از سرگیری اعتراض و اعتصابات قدرتمند خویش دوباره خیابانها را به تسخیر خود در خواهند آورد.

دم و دستگاه دولتی و سرکوبگر بجای دستگیری و محاکمه اسدیگی ها که میلیونها دلار از ثروتهای جامعه را در قالب رانت به جیب زده اند اقدام به دستگیری و پرونده سازی برای کارگرانی میکنند که همین رانتخواران و چپاولگران دستمزدهای ناچیزشان را به گرو گرفته اند.

کارگران هفت تپه اعلام کرده اند که اگر خواست و مطالباتشان محقق نشود و دست اسدیگی از مدیریت شرکت کوتاه نگردد و دستمزد و مطالباتشان پرداخت نگردد بار دیگر و متحدانه تر دست به اعتراض و اعتصاب خواهند زد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران ضمن محکوم نمودن دستگیری و تهدید کارگران هفت تپه، خود را در کنار مبارزات کارگران هفت تپه میداند و اعلام میدارد که باید برای آزادی همکاران دستگیر شده از هر امکانی برای اعتراض استفاده نمایند و با افشای شورای اسلامی کار و تشکیل مجامع عمومی مستقل خویش، مطالبات و خواسته های خود را محقق سازند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران - ۲۶ اردیبهشت ۹۸

بدنبال اعتصاب قدرتمند ۲۸ روزه کارگران نیشکر هفت تپه، کارفرمای شرکت به همراه نهادهای امنیتی و شورای تأمین استان خوزستان از هر حربه ای برای پایان دادن به این اعتصاب استفاده کردند. در کنار پرداخت دو ماه از معوقات، سرکوب و تهدید کارگران و بازداشت و زندانی کردن نمایندگان کارگری، با معرفی مهندس کیومرث کاظمی از مدیران سابق شرکت بعنوان مدیریت جدید و با این وعده که آقای کاظمی برنامه ای بلندمدت برای احیای شرکت دارند و شورای تأمین استان نیز این موضوع را ضمانت می نماید کارگران به سر کار بازگشتند.

اما بعد از گذشت چند ماه مطالبات اصلی کارگران هنوز لاینحل باقی مانده و تغییری در روند کاری در شرکت نیشکر هفت تپه روی نداده است.

همزمان با روز جهانی کارگر آقای کاظمی مدیریت شرکت، استعفای خویش را به فرمانداری شوش تحویل دادند ولی فرمانداری منکر چنین موضوعی میشد تا اینکه بعد از یک هفته اعلام گردید که با استعفای مهندس کاظمی موافقت شده و ایشان دیگر در شرکت سمتی ندارند.

این در حالیست که اکنون کارگران شرکت دستمزد دو ماه فروردین و اردیبهشت را طلبکارند و تغییری هم در روند نوع قراردادها و بیمه کارگران فصلی روی نداده است. این یعنی عملاً هیچکدام از قول و قرارهایی که کارفرمای شرکت به همراه شورای تأمین استان به کارگران داده بودند تا به سر کار بازگردند محقق نشده و اکنون و عملاً با کنار گذاشتن کاظمی، مدیریت شرکت نیز به سه قسمت تقسیم گردیده که مدیریت کارخانه شکر را امیر اسدیگی، مدیریت بخش کشاورزی را آقای مددی و مدیریت کارخانه بیواتانول و خوراک دام را امید اسدیگی به عهده دارند.

متعاقب چنین وضعیتی کارگران هفت تپه در روز پنجشنبه مورخ ۱۹ اردیبهشت نود و هشت اقدام به تجمع در مقابل درب مدیریت نمودند و خواستار مطالبات خویش شدند. همان مطالباتی که در جریان اعتصاب ۲۸ روزه وعده عملی شدن شان را به کارگران داده بودند. بازگشت مهندس کاظمی به مدیریت شرکت برای برون رفت از روند انحلال شرکت که توسط خانواده اسدیگی در جریان است و پرداخت معوقات مزدی کارگران و به روز شدن پرداختی ها و نیز ساماندهی قراردادهای کاری.

همه اینها در شرایطی روی داد که بعد از اعتصاب و با اعمال فشار نهادهای امنیتی شورای اسلامی کار که عملاً در خدمت اوامر کارفرماست به کارگران تحمیل گردید. نمایندگان سابق مجمع کارگری را با تهدید و ارباب و تطمیع در قالب شورای اسلامی کار سازمان دادند و عملاً با تحت فشار قرار دادن کارگران پیشرو و مستقل در مجموعه شرکت، نگذاشتند شکل مستقل و واقعی در درون مجموعه هفت تپه وجود داشته باشد.

بعد از این تجمع اعتراضی در روز پنجشنبه، ستاد خبری اداره اطلاعات شوش اقدام به تماس تلفنی با برخی از کارگران کرده و آنها را به ستاد خبری احضار و

کارگر زندانی، زندانی سیاسی، آزاد باید گردد!

اطلاعیه ها

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری در مورد
بالا گرفتن گفتمان و تنش جنگی میان
دولت آمریکا و جمهوری اسلامی

جهان شاهد اوجگیری تخاصمات میان آمریکا و متحدین اش از یک طرف و حکومت اسلامی و نیروهای تروریسم اسلامی اش در سوی دیگر است. تبلیغات جنگی و تنش میان دو طرف بالا گرفته است و آرایش و جابجائی نیروهای نظامی در منطقه آغاز شده است. اما علل و زمینه های واقعی این کشمکش را نمیتوان از مجرای تبلیغات سیاسی و جنگی دولتهای درگیر در این جدال دریافت. در دو سوی این کشمکش دو نیروی ضد بشری و تروریست و میلیتاریست قرار گرفته اند که هر کدام مهر خونین خود را بر تحولات جهان و نسلی از انسانها کوبیده اند.

این جدال مانند تمام کشمکشهای تاکنونی از هر دو سو بر سر قدرت و موقعیت سیاسی و نظامی طرفین است. حکومت اسلامی با بحران بقا روبروست و برای حفظ موجودیت رو به فتنای خود و موقعیت سیاسی و نظامی اش در خاورمیانه تلاش میکند. دولت آمریکا نیز موقعیت تضعیف شده و رو به افول در خاورمیانه و منطقه خلیج دارد و به دنبال "رام کردن" و منطبق کردن جمهوری اسلامی با سیاستهای منطقه ای خود است. در این شرایط علیرغم بالا گرفتن تنش و تبلیغات جنگی، هیچیک از دو طرف نه میخواهد و نه توان آن را دارد که به جنگ تازه ای در خاورمیانه دامن بزند. در پس این تهدیدات و تبلیغات جنگی، هر دو طرف خواهان مذاکره و رسیدن به توافق تازه ای هستند. یک طرف تحریمها را تشدید میکند و حضور نظامی خود را افزایش میدهد، و طرف دیگر از "نه جنگ نه مذاکره" و خروج گام بگام از برجام سخن میگوید تا بر طرف مقابل اعمال فشار کند و از موضع قوی تری در مذاکرات احتمالی آتی ظاهر بشود. حکومت اسلامی امیدوار است که بتواند با سیاست "دفع الوقت" و "حفظ وضع موجود" خود را به دوران انتخاباتی در آمریکا و احتمالاً پس از ریاست جمهوری ترامپ برساند و مذاکرات آتی با جانسن ترامپ صورت بگیرد. اما این سناریو هم عملی نیست. بحران گریبانگیر حکومت اسلامی چنان حاد و شدید است که ادامه وضعیت موجود را حتی برای چند ماه دیگر غیر ممکن میکند.

اما اساس ریشه بحران حکومت اسلامی نه رابطه با آمریکا، بلکه جنبش اعتراضی مردم و وضعیت انفجاری جامعه است. در شرایط حاضر هرگونه درگیری نظامی بحران و موقعیت شکننده حکومت را به شدت وخیم تر خواهد کرد. بر خلاف دوران جنگ ارتجاعی ایران و عراق رژیم اسلامی قادر به یک بسیج اسلامیستی -

ناسیونالیستی برای جنگ نخواهد شد. با مردمی مواجه اند که در کمین رژیم اسلامی اند. مردمی که با خیزشهای شهری و اعتراضات و اعتصابات گسترده و هر روزه خود حکم به سرنگونی رژیم اسلامی داده اند و گامهای بلندی در راه تحقق این آرزوی ۴۰ ساله جامعه برداشته اند.

پاسخ مردم به فضای پر تنش کنونی تشدید مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. خطر تروریسم و جنگ و تحریم و آدمکشی را تنها با سرنگون کردن حکومت اسلامی میتوان از بالای سر جامعه و مردم منطقه برداشت. در شرایط پر تنش حاضر یک اتفاق خارج از برنامه، یک پرووکاسیون، یک اقدام تحریک آمیز میتواند چاشنی یک جدال خونین باشد. برای مقابله با این خطر نیز باید به مبارزه و اعتراض توده ای علیه جمهوری اسلامی دامن زد.

مردم ایران نه در جنگ و نه در فضای پر تنش جنگی که ایجاد شده، هیچ منفعتی ندارند. ما تاکید میکنیم که هرگونه اتکا و همسویی با هر کدام از نیروهای درگیر در این کشمکش یک سیاست عمیقاً ارتجاعی و ضد انسانی است. حزب کمونیست کارگری چه در شرایط "جنگی" و چه در شرایط "صلح" برای سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی و استقرار یک نظام آزاد و برابر و مرفه برای همگان، یک جمهوری سوسیالیستی، مبارزه میکند. حزب تمامی کارگران و مردم آزادیخواه و برابری طلب را به گسترش مبارزه انقلابی برای پایان دادن به کابوس حکومت اسلامی فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۸، ۱۵ مه ۲۰۱۹

هزاران نفر از جوانان در شهرهای مختلف

دست به تظاهرات زدند

شامگاه پنجشنبه ۲۶ اردیبهشت، بدنال مسابقات فوتبال، هزاران نفر از جوانان در تهران، اصفهان، شیراز، اراک، ارومیه، مراغه، همدان، بهبهان و نسیم شهر و... به خیابان آمدند و با شعار مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر روحانی به چهل سال فقر و گرانی و بیحقوقی و به کل نظام جنایتکار مذهبی و دزدسالار اعتراض کردند.

اعتراض مردم با یورش اوپاش سرکوبگر حکومت روبرو شد. حکومت طبق معمول گارد ضد شورش، یگانهای انتظامی و بسیج را به مقابله با جوانان فرستاد تا آنها را پراکنده کند و مانع گسترش این اعتراضات و پیوستن مردم بیشتری به صفوف آنان شود. نیروهای سرکوب تلاش کردند تعدادی را دستگیر کنند و جمعیت با شعار ولش کن ولش کن و ترسید ترسید ما همه با هم هستیم در مقابل سرکوبگران ایستادند و به اعتراض خود ادامه دادند.

تظاهرات امشب گوشه ای از جدال سیاسی وسیع مردم علیه دزدان و جنایتکاران و نظام گندیده و ضد انسانی سرمایه داری اسلامی را نشان میدهد. مردم علیرغم

سرکوب و دستگیری هایی که هر روز ادامه دارد، از هر فرصتی برای تجمع و اعتراض استفاده میکنند.

حزب کمونیست کارگری مردم معترض و آزادیخواه را فرامیخواند که در هر شهر و منطقه ای شورای سازماندهی اعتراض را شکل بدهند. شوراها سازماندهی اعتراض ضامن تداوم و تقویت اعتراضات، پیوستن مردم هرچه بیشتر و نقشه مند شدن اعتراضات است.

سرنگون باد جمهوری اسلامی

زنده باد حکومت انسانی

زنده باد سوسیالیسم

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۸، ۱۶ مه ۲۰۱۹

سر بلند کردن دوباره اعتراضات کارگران

نیشکر هفت تپه و وحشت رژیم

روز گذشته ۲۵ اردیبهشت یکی از کارگران نیشکر هفت تپه بنام حسین انصاری به اتفاق چهار کارگر دیگر نیشکر هفت تپه با دستور دادستانی از دادگستری شوش به زندان فجر دزفول انتقال داده شدند. در همین روز علی نجاتی فعال کارگری و عضو سندیکای نیشکر هفت تپه نیز طی تماسی تلفنی و ارسال پیامک از طرف دادرسارای اوین شعبه هفتم بازپرسی شهید مقدسی جهت "آخرین دفاعیات" احضار گردید و به او گفت هشده است که باید تا پنج روز دیگر خود را به این شعبه معرفی کند. این احضارها و دستگیریها ادامه دارد.

بدنبال تجمع روز ۱۹ اردیبهشت کارگران نیشکر هفت تپه در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدها و امنیتی شدن محیط کارخانه مدیریت شرکت و مقامات دولتی در هراس از سر بلند کردن دوباره اعتراضات این کارگران بار دیگر به احضار و بازداشت کارگران روی آورده اند. بنا بر خبرها در جریان این اعتراضات ۴ کارگر به اسامی امید آزادی، صاحب ظهیری، ناصر نعمانی و کیانی نژاد بازداشت شدند که بعداً در روز ۲۳ اردیبهشت با قرار وثیقه آزاد شدند. روز ۲۴ اردیبهشت نیز شش نفر دیگر از کارگران نیشکر هفت تپه، توسط پلیس اطلاعات امنیت بازداشت و به زندان دزفول انتقال داده شده اند. فیصل تعالی، سید اسماعیل جعاوله، عادل سمعی و رستم عبدالله زاده از جمله دستگیر شدگان هستند.

نیشکر هفت تپه یک کانون داغ اعتراض کارگری است. اعتصاب قدرتمند این کارگران در سال ۹۷ برای نقد کردن طلبهایشان و علیه مافیای دزدسالار حاکم به رهبری اسماعیل بخشی با پرچم اداره شورایی مهر خود را بر کل جنبش کارگری کوبید و نشانی از عروج جنبش رادیکال کارگری در جلوی صحنه سیاسی جامعه بود. بدنبال این اعتراضات جمهوری اسلامی تصور میکرد که با دستگیری و سرکوب کارگران، با ادامه زندان اسماعیل بخشی رهبر

هفت تپه نیز طی تماسی تلفنی و ارسال پیامک از طرف دادسراسرای اوین شعبه هفتم بازپرسی شهید مقدسی جهت "آخرین دفاعیات" احضار گردید و به او گفته شده است که باید تا پنج روز دیگر خود را به این شعبه معرفی کند. روز ۲۴ اردیبهشت نیز شش نفر دیگر از کارگران نیشکر هفت تپه، توسط پلیس اطلاعات امنیت بازداشت و به زندان دزفول منتقل گردید. فیصل تعالی، سید اسماعیل جعاوله، عادل سماعی و رستم عبدالله زاده از جمله دستگیر شدگان هستند. این احضارها و دستگیریها ادامه دارد.

آخرین خبر اینکه روز ۲۵ اردیبهشت سه عضو کانون نویسندگان ایران به اسامی رضا خندان مهابادی، بکناش آبتین و کیوان باژن با اتهامات "اتهام تبلیغ علیه نظام" و "اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور". هر یک به ۶ سال حبس محکوم شدند. این چنین است که جمهوری اسلامی با قدهلم کردن جنبش قدرتمند آزادیخواهی و برابری طلبی در ایران بر سرکوبگری هایش شدت داده است.

این اتفاقات حکایت از جدالی هر روزه مردم با حکومت وحشی سرمایه داری حاکم بر سر زندگی و معیشت است. کارگران و کل جامعه جنبش اسلامی را نمیخواهند و این جنبش سرنگونی مردم است که با قدرت و با خواستههای آزادیخواهانه و برابری طلبانه و با جلو آمدن هر روز بیشتر آلترا ناتیو اداره شورایی به جلو گام بر میدارد.

این اتفاقات در عین حال تاکیدیدی بیشتر بر مبارزه ای متحد و سراسری در برابر سرکوبگری های حکومت است. حمایت وسیع و گسترده از کیفرخواست اسماعیل بخشی علیه شکنجه و زندان، حمایت وسیع از کارزار علیه امنیتی کردن مبارزات با خواست مشخص لغو تمامی احکام امنیتی زندان برای فعالین کارگری، معلمان و فعالین اجتماعی که جعفر عظیم زاده و اسماعیل عبدی سوت آغازش را از درون زندان به صدا در آوردند، حمایت وسیع از اعتراض ناهید خداجو علیه وثیقه به عنوان شکلی از ادامه سرکوب جامعه و اخذی و چپاولگری حکومتیان و همراه شدن با خانواده ها برای آزادی کارگران زندانی، معلمان زندانی و تمامی زندانیان سیاسی گامهای مهم این مبارزه است.

اسماعیل بخشی، سپیده قلیان، جعفر عظیم زاده، اسماعیل عبدی، ناهید خداجو و تمام دستگیر شدگان روز جهانی کارگر، معلمان زندانی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

شاهلا دانشفر

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

Free Them Now

Shahla.daneshfar2@gmail.com

۲۶ اردیبهشت ۹۸

روز جهانی کارگر تا کنون دهها نفر از فعالین کارگری، معلمان و فعالین اجتماعی بازداشت شده اند. ۴۵ نفر آنها بازداشت شدگان روز جهانی کارگر بودند.

با نزدیک شدن روز جهانی کارگر آنهم بدنبال اعتراضات قدرتمند کارگران در سال گذشته و عروج جنبش کارگری در جلوی صحنه سیاسی جامعه، حکومت اسلامی به شدت به وحشت افتاد و احضارها و بازداشت ها شدت گرفت. اما علیرغم همه سرکوبگریهای حکومت کارگران با اعلام اینکه برگزاری روز جهانی کارگر حق مسلم ماست این روز را گرامیداشتند و یورش حکومت به مراسم اول ماه مه در تهران، مانع برگزاری تجمعات قدرتمند و سراسری معلمان در روز بعدش نشد.

زیر فشار اعتراضات تا کنون بخشی از دستگیر شدگان روزهای قبل از اول ماه مه و روز جهانی کارگر با قید وثیقه موقتاً آزاد شده اند. یکی از دستگیر شدگان در این دوره توفیق محمودی فعال کارگری در سنندج است که در بیست و یکم اردیبهشت با قرار وثیقه صد میلیونی آزاد شد. اما جانینان اسلامی او را به یکسال حبس محکوم کرده اند. اقبال شبانی عضو و بازرس سندیکای خبازان سنندج نیز در پانزدهم اردیبهشت ماه در شعبه یک دادگاه انقلاب سنندج به ریاست قاضی سعیدی محاکمه و به یکسال حبس محکوم گردید که اجرای این حکم در سه سال تعلیق شده است.

اما از دستگیر شدگان روز جهانی کارگر هشت نفر به اسامی ناهید خداجو، فرهاد شیخی، حسن سعیدی، نسرین جوادی، کیوان صمیمی، ندا ناجی، عاطفه رنگریز و مرضیه امیری هنوز در زندانند. برای ناهید خداجو فعال شناخته شده کارگری نیز قرار وثیقه ۵۰۰ میلیونی تعیین شده است که این قرار با اعتراض وی روبرو شده و هم اکنون گفتمان اعتراضی وسیعی با هشتک #نه به وثیقه به راه افتاده است. همچنین اکرم نصیریان فعال ندای زنان ایران، همیار سیلزدگان و سواد آموز زنان خانه دار و کودکان کار که در نهم اردیبهشت بازداشت شده بود، همچنین در زندان است و بنا بر آخرین خبر به سلول دو نفره اوین منتقل شده است. از سوی دیگر بازداشت شدگان تجمع ۱۲ اردیبهشت معلمان نیز به قید وثیقه آزاد شدند اما در این مدت دو نفر دیگر از معلمان به اسامی محمد علی زحمتکش و یاسر امینی آذر راهی زندان شده اند. همچنین ناهید شقاقی یکی دیگر از فعالین ندای زنان ایران و فعال دفاع از حقوق کودک در روز ۲۵ اردیبهشت بازداشت گردید.

در همین راستا بدنبال اعتراضات روز ۱۹ اردیبهشت کارگران نیشکر هفت تپه حکومت اسلامی بر احضار و بازداشت کارگران در این مجتمع کارگری شدت داده است. از جمله در روز ۲۵ اردیبهشت یکی از کارگران نیشکر هفت تپه بنام حسین انصاری به اتفاق چهار کارگر دیگر نیشکر هفت تپه با دستور دادستانی از دادگستری شوش به زندان فجر دزفول انتقال داده شدند. در همین روز علی نجاتی فعال کارگری و عضو سندیکای نیشکر

کارگران نیشکر هفت تپه و با علم کردن شورای اسلامی آبرویافته اش در این مجتمع کارگری و امنیتی کردن فضا خواهد توانست اوضاع را تحت کنترل خود در آورد. اما علیرغم همه این فشارها کارگران نیشکر هفت تپه به اشکال مختلف تلاش کردند که خواستههایشان را پیگیر شوند. از جمله به راه افتادن طومار اعتراضی در این مجتمع کارگری در حمایت از اسماعیل بخشی در اسفند ماه و امضای آن توسط اکثریت کارگران و گسترش این طومارها در میان فعالین کارگری در سنندج با تاکید بر اینکه اسماعیل بخشی نماینده منتخب کارگران است و باید آزاد شود، نشانی از ایستادگی این کارگران بود. در ادامه این اتفاقات و با برپایی تجمع اعتراضی روز نوزدهم اردیبهشت، رژیم اسلامی به تقلا افتاده و احضار و دستگیری کارگران در این مجتمع کارگری شدت یافته است. کارگران نیشکر هفت تپه که بعد از چندین ماه همچنان با مشکلاتی چون دستمزدهای پرداخت نشده و قلدردی های مدیریت و امنیتی شدن محیط کارشان روبرویند، با قد علم کردن در برابر شورای اسلامی و سرکوبگریها دستمزدهای پرداخت نشده شان را طلب کرده و یک تاکید مهم آنان همچنان آزادی رهبر محبوبشان اسماعیل بخشی است.

انعکاس اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه در بالاگرفتن نزاع در درون مدیریت شرکت نیز به روشنی قابل مشاهده است. همه این اتفاقات نشانگر اینست که دستاوردهای مبارزاتی کارگران نیشکر هفت تپه را با هیچ درجه از سرکوب و اعراب نمیتوان عقب زد.

حزب کمونیست کارگری قاطعانه از خواستها و مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه حمایت و پشتیبانی کرده و بر همبستگی وسیع کارگری با مبارزات این کارگران تاکید دارد.

کارگران بازداشتی روزهای اخیر در نیشکر هفت تپه باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند. پرونده های قضایی تشکیل شده برای آنان باید فوراً مسدود شود. به احضارها و دستگیریها باید فوراً خاتمه داده شود. به امنیتی کردن فضای این مجتمع کارگری باید پایان داده شود. بساط شورای اسلامی و نیروهای سرکوب حکومت از آنجا باید جمع شود. برای آزادی فوری و بدون قید و شرط اسماعیل بخشی و آزادی تمامی زندانیان سیاسی باید با تمام قوا به میدان آمد.

پیش بسوی اعتصابات سراسری کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۶ اردیبهشت ۹۸، ۱۶ مه ۲۰۱۹

ادامه بازداشت ۸ نفر از دستگیر شدگان

روز جهانی کارگر

احضارها و بازداشت ها در نیشکر هفت تپه

از بیست و ششم آپریل یعنی در روزهای نزدیک به

سپیده قلیان برای آخرین دفاعیات به دادسرای اسلامی اعزام شد

روز ۲۴ اردیبهشت ماه سپیده قلیان برای ارائه آخرین دفاعیات خود به دادسرای اسلامی در تهران اعزام شده است. سپیده قلیان به جرم صحه گذاشتن بر شکنجه شدن اسماعیل بخشی و حمایت از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه روز ۱۳ اسفند ۱۳۹۷ برای بار دوم دستگیر شد و از روز ۸ اردیبهشت ماه در بند زنان زندان اوین زندانیست. به سپیده قلیان گفته شده که پرونده اش تعیین شعبه شده و به دادگاه ارسال خواهد شد. در جلسه بازپرسی روز ۲۴ اردیبهشت به سپیده قلیان ۴ اتهام از جمله فعالیت تبلیغی علیه نظام، اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت کشور، همکاری با گروه‌های معاند و اخلال در نظم عمومی تهمین شده‌اند.

این نوع اتهامات امنیتی نخ نما بطور معمول توسط دادگاههای جمهوری اسلامی علیه فعالین کارگری، معلمان، و فعالین اجتماعی پیش کشیده میشود و هدف آنها به سکوت کشاندن جامعه است.

یک کارزار مهم امروز در ایران اعتراض به امنیتی کردن مبارزات و لغو تمامی احکام امنیتی صادر شده برای فعالین کارگری، معلمان و مردم معترض است.

یک خواست فوری کارگران نیشکر هفت تپه آزادی اسماعیل بخشی به عنوان نماینده منتخب خود از بازداشت است. اسماعیل بخشی و سپیده قلیان باید فوراً و بدون قیدو شرط آزاد شوند.

اسماعیل بخشی، سپیده قلیان، جعفر عظیم زاده، معلمان زندانی و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
۲۶ اردیبهشت ۹۸

فراخوان بازنشستگان فرهنگی به تجمع و چند خبر اعتراضی دیگر

معلمان بازنشسته سال ۹۶ در اعتراض به عدم پرداخت حق پاداش سال ۹۷ خود برای ساعت ده صبح روز ۳۱ اردیبهشت به تجمع در مقابل وزارت آموزش و پرورش فراخوان به تجمع داده اند. این بازنشستگان در سال ۹۷ نیز در همین رابطه تجمع داشتند و حدود ۸۰۰ نفر از آنان از سراسر کشور از شهرهای چهار محال و بختیاری، بجنورد، تهران، کرمانشاه، چالوس، قزوین، کرج، ارومیه، یزد و... مقابل ساختمان آموزش و پرورش تجمع کردند. بازنشستگان فرهنگی با خواستهایی چون تحصیل رایگان برای همه کودکان، درمان رایگان برای همه، افزایش مستمری ها به بالاتر خط فقر هفت میلیونی و پایان دادن به اختلاس های و دزدیها تاکید کرده و صدای اعتراض

کل جامعه را فریاد زده اند.

- روز دوشنبه ۳۰ اردیبهشت کارگران راه آهن اراک - شازند - نورآباد و همچنین کارگران خط و ابنیه فنی راه آهن تبریز آذربایجان در گذر گاه تبریز در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق معوقه شان دست از کار کشیدند. از هفتم اردیبهشت دور جدیدی از اعتصابات کارگران راه آهن در شهرهای مختلف در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدهایشان شروع شده و این کارگران بطور متوالی دست از کار کشیده اند.

- روز ۲۸ اردیبهشت کارکنان بیمارستان صنایع پتروشیمی واقع در شهر چمران شهرستان ماهشهر در پی اعتراض به واگذاری این بیمارستان و خطر از دست دادن کار خود دست به اعتصاب زدند.

- روز ۲۸ اردیبهشت پرستاران بیمارستان آزادی در اعتراض به عدم دریافت اضافه کاری و کارانه خود در مقابل دفتر پرستاری و مدیریت بیمارستان، تجمع کردند. پرستاران این بیمارستان که تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی قرار دارد، از دی ماه سال ۹۷ تاکنون اضافه کاری خود را دریافت نکرده اند. آنها همچنین کارانه خرداد، دی، بهمن و اسفند سال گذشته را طلب دارند. بعلاوه اینکه عیدی سال ۹۷ که باید دو برابر پایه حقوق پرداخت می شد، تنها نیمی از آن به حساب پرستاران واریز شده است. پرستاران بیمارستان آزادی همچنین خواستار اجرای طبقه بندی مشاغل هستند که اندکی به دریافتی آنها اضافه میشود. به گفته پرستاران طبق قانون کارفرما باید حق تعطیل کاری و جمعه کاری را در دستمزد آنها محاسبه و حق جذب و ماندگاری را در فیش حقوقی آنان درج کند. اما علیرغم اعتراضات آنان این امر هنوز محقق نشده است. همچنین پرستاران می گویند که ساعت کار عرفی بیمارستان پیش از این ۶ ساعت و نیم بوده که اخیراً به ۷ ساعت و نیم تغییر یافته است. اینها همه موضوعات اعتراض پرستاران بیمارستان آزادی است.

پیش بسوی اعتصابات سراسری کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۹ اردیبهشت ۹۸، ۱۹ مه ۲۰۱۹

فراخوان معلمان ارومیه به تجمع علیه دستگیری یاسر امینی آذر

معلمان در شهر ارومیه در اعتراض به بازداشت دستگیری یکی از همکارانشان بنام یاسر امینی آذر برای ساعت ۴ عصر پنجشنبه ۲ خرداد به تجمع در مقابل اداره آموزش و پرورش این شهر فراخوان داده اند. خطاب این فراخوان به معلمان در ارومیه و در شهرهای نزدیک آن از جمله خوی، سلماس، چالدران، ماکو، جلفا، سقز، سردشت، بوکان، مهاباد، پیرانشهر، نقده و سایر شهرهای استانهای کردستان و آذربایجان غربی و شرقی است. در بخشی از این فراخوان چنین آمده است: "هر طور شده خودتان را به

تجمع دو خرداد در ارومیه برسانید. این تجمع بسیار حیاتی و تعیین کننده در آزادی یاسر است. آزادی یا استمرار بازداشت او در وضعیت معلمین تعیین کننده است. چرا که فردا نوبت سایر معلمان است. فردا نوبت خودمان است، پس امروز آنرا متوقف کنیم."

یاسر امینی آذر روز ۱۷ اردیبهشت هنگام خارج شدن از مدرسه محل کارش در مهاباد توسط نیروهای اطلاعاتی دستگیر گردید. در اعتراض به این دستگیری و برای آزادی وی کارزار گسترده ای به راه افتاده است. در همین راستا طوماری اعتراضی منتشر گردیده و کلیپ هایی تصویری از سوی همکاران یاسر در حمایت از وی منتشر شده است. در ادامه این فعالیت ها فراخوان به تجمع دوم خرداد داده شد.

فراخوان معلمان در شهر ارومیه در همبستگی با همکار بازداشتی خود یاسر امینی آذر نمونه آموزنده و شورانگیزی از یک کارزار مبارزاتی متحدانه علیه دستگیریها و سرکوبگریها و در دفاع از زندانیان سیاسی بدست میدهد و باید وسیعاً از آن حمایت کرد. تجمعات برای آزادی بازداشت شدگان اخیر و تمامی زندانیان سیاسی را باید سراسری و در همه جا بر پا کرد. باید وسیعاً اطلاع رسانی کرد و در این تجمع اعتراضی شرکت کرد.

جرم یاسر امینی آذر شرکت در تجمعات اعتراضی معلمان با خواستههای تحصیل رایگان برای همه کودکان، افزایش حقوقها به بالای خط فقر هفت میلیونی، پایان دادن به کالایی شدن آموزش، ایجاد تسهیلات برای تامین مسکن، درمان رایگان، لغو طرح برده وار معلم تمام وقت، پایان دادن به اختلاس ها و داشتن یک زندگی انسانی است. خواستههای معلمان خواستههای همه مردم است. از مبارزات و خواستههای معلمان و از یاسر امینی آذر معلم زندانی و تمامی معلمان در بند باید وسیعاً حمایت کرد.

پیش بسوی اعتصابات سراسری کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۹ اردیبهشت ۹۸، ۱۹ مه ۲۰۱۹

تمامی کارگران بازداشتی هفته اخیر نیشکر هفت تپه آزاد شدند

اسماعیل بخشی و سپیده قلیان را هم آزاد میکنیم

روز شب ۲۹ اردیبهشت تمامی کارگرانی که هفته گذشته در نیشکر هفت تپه بازداشت شده بودند، با قرار کفالت و وثیقه آزاد شدند. کارگران نیشکر هفت تپه در روز نوزدهم اردیبهشت در اعتراض به تعویق دو ماه دستمزد امنیتی کردن فضای کارخانه، و همچنین برای انحلال شورای اسلامی دست به تجمع زدند. یک خواست مهم این کارگران آزادی اسماعیل بخشی رهبر محبوبشان است. در این رابطه در اسفند ماه طوماری اعتراضی دادند و بخش عظیم کارگران این مجتمع کارگری آنرا امضا کردند.

حقوقهای چند بار زیر خط فقر اعتراض دارند و یک خواست اعلام شده آنان افزایش حقوق به بالای خط فقر ۷ میلیون تومانی است. از سوی دیگر معلمان به بازداشتها و تعیین وثیقه برای آزادی دستگیر شدگان اعتراض دارند و با هشتک # نه به وثیقه به تدارک تجمعات سراسری خرداد ماه خود میروند. بدین ترتیب معلمان پرچم آزادی بدون قید و شرط زندانیان سیاسی را بدست گرفته اند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۱ اردیبهشت ۹۸، ۲۱ مه ۲۰۱۹

اعتصاب کارگران راه آهن تبریز هماهنگ

با کارگران اراک و نورآباد سازند

بنا به اخبار مندرج در رسانه ها، کارگران راه آهن تبریز در هماهنگی با کارگران راه آهن اراک و نورآباد سازند، دست به اعتصاب زده اند. این کارگران از سه روز قبل اعتصاب شان را شروع و در روز دوشنبه ۳۰ اردیبهشت نیز ادامه داشت.

اوضاع جامعه ایران در شرایط فروپاشی اقتصادی کامل قرار دارد و رژیم چاره ای جز کوبیدن بر طبل شرایط جنگی ندارد. در بطن این اوضاع مشکلات اقتصادی بیش از پیش کارگران و مردم را در تنگنا قرار داده و زندگی را عملاً به جهنم تمام عیاری تبدیل کرده است.

کارگران راهی جز مبارزه متشکل و هماهنگ بر علیه رژیم ندارند. کارگران راه آهن با تشکیل شورای هماهنگی کارگران خط و ابنیه فنی راه آهن، به همه کارگران راه نشان میدهند. تشکیل شوراها در این شرایط تلاش موثری برای ایجاد تشکلات سرتاسری کارگران و بخشهای مختلف مردم است.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران از همه کارگران کارخانه ها و مراکز تولیدی و مردم میخواهد که از اعتصاب کارگران راه آهن تبریز حمایت کنند.

حضور در محلهای تجمع کارگری و هر تجمع اعتراضی دیگر و حمایت از اعتصابات و اعتراضات همدیگر، زمینه ساز سرتاسری شدن این مبارزات است. با مبارزات متحدانه و متشکل میتوانیم رژیم جمهوری اسلامی را به عقب نشینی وادار کنیم.

زنده باد اعتصابات و اعتراضات سرتاسری

پیش بسوی تشکیل شوراهای سازماندهی اعتراضات

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

۲۱ مه ۲۰۱۹ - ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۸

در محل سازمان مدیریت پسماند شهرداری کرج تجمع کردند.

- روز ۳۰ اردیبهشت کارگران شرکت جهاد نصر کردستان در اعتراض به عدم پرداخت ۷ ماه دستمزد دست به اعتصاب زدند.

پیش بسوی اعتصابات سراسری کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

۳۱ اردیبهشت ۹۸، ۲۱ مه ۲۰۱۹

تجمعات کارگران آذرب، کارمندان و

پرستاران بیمارستان خمینی، متروی تهران

و تدارک تجمعات معلمان

- روز ۳۱ اردیبهشت کارگران آذرب اراک در اعتراض به تعویق پرداخت ۳ ماه دستمزد دست به تجمع زدند. این شرکت سازنده پروژه های نیروگاهی است و کارگران بارها اعتراضات جمعی موفقی برپا کرده اند. زیر فشار این حرکت اعتراضی و بویژه با توجه به سابقه مبارزات فراموش نشدنی این کارگران در کنار کارگران هپکو در سال ۹۶ که شهر اراک را به تحرک در آورد، حسین بختیاری (فرماندار اراک) در جمع کارگران حاضر شد. او با گفتن اینکه حقوق معوق اسفند ماه کارگران در این روز به حساب آنان واریز شده است، وعده پرداخت حقوق فروردین ماه کارگران را داد. کارگران اعلام کردند که اگر دستمزدهای معوقه آنان فوراً پرداخت نشود، اعتراضات خود را گسترده تر ادامه خواهند داد.

- روز ۳۱ اردیبهشت ماه کارمندان و پرستاران بیمارستان خمینی کرج در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان به خیابان آمده و با شعار «نه استنادار نه شهردار، نیستن به فکر درمان» صدای اعتراض خود را بلند کردند. کارکنان این بیمارستان پیش از این نیز دست به اعتراض و تجمع زده اند.

- روز ۳۱ اردیبهشت شماری از کارکنان متروی تهران، در اعتراض به خارج کردن آنها از قرارداد رسمی و پیمانی شدن قراردادهایشان در محوطه ای ساختمان شرکت بهره برداری راه آهن شهری تهران تجمع کردند.

- معلمان برای پیگیری خواستههای خود در تدارک تجمعات اعتراضی سراسری هستند. اعتراض معلمان به دستگیری ها، شرط وثیقه برای آزادی همکارانشان، و نیز کسر مبلغی از فیش های حقوقی اردیبهشت ماه میباشد. قضیه از این قرار است که چون در ماه فروردین میزان افزایش حقوق معلمان مشخص نبوده است، مبلغ ۴۰۰ هزار تومان علی الحساب به آنها پرداخت شده است و اکنون میخواهند آن پول را از فیش حقوقی اردیبهشت معلمان کسر و به خزانه داری بازگردانند. معلمان به

بدنبال تجمع اعتراضی روز ۱۹ اردیبهشت رژیم اسلامی در هراس از سربلند کردن دوباره اعتراضات کارگران نیشکر هفت تپه و گسترش دامنه آن با احضار و دستگیری کارگران تلاش کرد اوضاع را تحت کنترل در آورد. اما کارگران اعلام کردند که اگر بازداشت شدگان آزاد نشوند و به خواستههایشان پاسخ داده نشود، اعتراضاتشان را از سر خواهند گرفت. زیر فشار چنین فضایی از اعتراض است که کارگران بازداشتی هفته گذشته آزاد شدند. کمپین برای آزادی کارگران زندانی ضمن ابراز خوشحالی از آزادی کارگران بازداشت شده خواستار بسته شدن پرونده قضایی تشکیل شده برای این کارگران است. گفتنی است که علی نجاتی از اعضای سندیکای نیشکر هفت تپه طی احضاریه ای از طرف دادسرای اوین (شهید مقدسی) به بازپرسی شعبه هفتم دادسرای اوین احضار شده است که میبایست در روزهای آینده خودش را به این دادسرا معرفی کند. همچنین اسماعیل بخشی نیز همچنان در زندان نگه داشته شده است.

علی نجاتی، اسماعیل بخشی و سپیده قلیان در جریان اعتراضات و اعتصابات چندماه گذشته بازداشت شدند و بخشی و سپیده قلیان همچنان در زندان هستند. احضار علی نجاتی به اوین باید با اعتراض پاسخ گیرد. اسماعیل بخشی و سپیده قلیان باید فوراً آزاد شوند. اعتراضات گسترده و رفتن بسوی اعتصابات سراسری یک پاسخ محکم به سرکوبگری های حکومت است. کارگران زندانی، معلمان بازداشتی و تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند.

#نه به وثیقه

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

<http://free-them-now.com/>

۲۰ مه ۲۰۱۹، ۳۰ اردیبهشت ۹۸

تجمع معلمان بازنشسته و دو اعتراض دیگر

- روز ۳۱ اردیبهشت معلمان بازنشسته سال ۹۷ بدلیل عدم دریافت پاداش سال گذشته خود مقابل وزارت آموزش و پرورش تجمع کردند. این بازنشستگان در همین رابطه قبلاً نیز تجمعاتی بر پا کرده بودند. در تجمع این روز معلمان بازنشسته با شعارهایی چون "تا پاداشو نگیریم، از پا نمی نشینیم"، "اختلاسها کم بشه، پاداش ما حل میشه"، "ما همه همبسته ایم از وعده ها خسته ایم"، پاداش های پرداخت نشده خود را طلب میکردند. شعارهای معلمان بازنشسته بطور واقعی بازتاب جنبش گسترده اعتراض به سرمایه داران و چپاولگران حاکم است که گرانی و بیکاری و فقر غیر قابل تحملی را به اکثریت مردم تحمیل کرده است.

- روز ۳۱ اردیبهشت کارگران ایستگاه های انتقال پسماند در اعتراض به تصمیم این سازمان به بیکارسازی کارگران،

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!